

اناجیل

درس
اول

مقدمه‌ای بر اناجیل



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اناجیل (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر اناجیل)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) خصوصیت ادبی

گونه ادبی

روایت تاریخی

زندگی‌نامه یونانی – رومی

روایت تاریخی کتاب مقدسی

اعتبار

دسترسی

صراحت

اثبات

تعلیم

باورهای الهیاتی

روح القدس

(۳) جایگاه در کلیسا

ساختار نوشتار

تشابهات

نظریات نگارشی

اطمینان

اصالت

نویسندگان قابل اعتماد

تایید رسولان

شهادت کلیسا

(۴) وحدت

همان داستان

عیسی

دلایل

کلمات

مراحل

(۵) گوناگونی

دشواری‌های آشکار

ترتیب زمانی

حذف

وقایع مختلف

موعظه‌های مختلف

تاکیدات خاص

عیسی در انجیل متی کجاست؟

عیسی در انجیل مرقس کجاست؟

عیسی در انجیل لوقا کجاست؟

عیسی در انجیل یوحنا کجاست؟

(۶) نتیجه‌گیری

مقدمه‌ای بر اناجیل

مقدمه

آیا تا به حال متوجه شده‌اید که اخبار چقدر در زندگی مهمند؟ اطلاعات مهمی که دربارهٔ جهان دریافت می‌کنیم بر عقاید، ارزش‌ها، برنامه‌ها، و خیلی دیگر از ابعاد زندگی مان تأثیر می‌گذارند. گاهی رویدادهای خبری آنقدر اهمیت دارند که جهان‌بینی ما را کاملاً تغییر می‌دهند.

خُب، اگر کمی درباره‌اش فکر کنید، خودِ کتاب مقدس مثل یک بایگانی خبری است. این کتاب انواع خبرهای خوب و بد را دربارهٔ قوم خدا در طول تاریخ ثبت می‌کند و وقتی آنها را می‌خوانیم، بر ما تأثیر می‌گذارند و به روش‌های مختلف ما را متحول می‌کنند.

اما بدون شک، بهترین خبری که کتاب مقدس به ما می‌دهد، مجموعهٔ گزارش‌هایی است که به آنها «انجیل» می‌گوییم. اناجیل داستان‌های متحولگری از شخصیت و کار خداوند و نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح هستند.

این اولین درس از سری درسهای اناجیل است. در این درس‌ها کتابهای نوشتهٔ متی، مرقس، لوقا و یوحنا دربارهٔ زندگی و خدمت عیسی مسیح را بررسی می‌کنیم. این درس تحت عنوان «مقدمه‌ای بر اناجیل» است، به معرفی این کتاب‌ها می‌پردازد و کمک می‌کند که آنها را بهتر درک کنیم و به صورت کامل آنها را در زندگی خودمان به کار ببندیم.

در «مقدمه‌ای بر اناجیل»، به چهار موضوع مهم می‌پردازیم. اول، اناجیل را از لحاظ ادبی بررسی می‌کنیم. دوم، نگاهی به جایگاه آنها در کلیسا می‌اندازیم. سوم، به تشابهات اناجیل می‌پردازیم. و چهارم، به جستجوی گوناگونی و تفاوت‌های آنها خواهیم پرداخت.

خصوصیت ادبی

معمولاً، وقتی یک کتاب ادبی را می‌خوانیم، تقریباً می‌دانیم که چه نوع ادبیاتی دارد، و این کمک می‌کند که چگونه بخوانیمش و چه توقعی از خواندنش داشته باشیم. مثلاً، اگر رمان تاریخی می‌خوانید، می‌دانید که همهٔ مطالب تاریخی آن واقعی نیستند، پس اطلاعات همراه‌تان نمی‌کند. یا اگر مجموعهٔ داستان کوتاهی می‌خوانید، می‌دانید که داستان‌ها

دنباله‌دار نیستند، پس مثل رمان نمی‌خوانیدش. پس در اصل باید بدانیم که چه نوع کتابی می‌خوانیم و قانده ادبی حاکم در متن چیست.

- دکتر ریچارد باکم

در اینجا خصوصیت ادبی اناجیل را از دو جهت بررسی می‌کنیم. اول، گونه ادبی آنها - مشخصه‌های ادبی حاکم در متن - و دوم، درباره صحت و درستی تاریخی آنها صحبت می‌کنیم. بیایید ابتدا نگاهی به گونه ادبی چهار انجیل بیندازیم.

گونه ادبی

عموما گونه ادبی، یعنی نوع و دسته‌بندی ادبیات. تفکیک گونه‌های ادبی معمولا بر اساس شکل و کارکرد ادبی آنهاست. مثلا، نوع روایت و زبان استعاری آنها.

کتاب مقدس شامل گونه‌های ادبی بسیاری است. برای مثال، دارای روایت‌های تاریخی است، مانند داستان‌هایی درباره داوود در عهد عتیق. گونه‌ای دیگر، شعر است، مانند مزامیر. نامه‌ها یا رساله‌ها گونه دیگری هستند، به همین ترتیب نبوت‌ها و غیره. هر گونه ادبی، لحن خاص خودش را دارد و به روش خاصی با مخاطب رابطه برقرار می‌کند. برای همین مهم است که نوع ادبی اناجیل را بدانیم. برای اینکه بدانیم اناجیل چه چیزی یاد می‌دهند، باید بدانیم که این کار را چگونه انجام می‌دهند.

برای اینکه بفهمیم اناجیل چگونه پیام خود را انتقال می‌دهند، در سه مرحله گونه ادبی آنها را مشخص می‌کنیم و آن را شرح می‌دهیم. اول، توضیحاتی کلی درباره روایت تاریخی آنها می‌دهیم. دوم، آنها را با هم مقایسه می‌کنیم تا نوع روایت تاریخی‌شان، یعنی زندگی‌نامه‌رومی - یونانی را مشخص کنیم. و سوم، اناجیل را با دیگر روایات تاریخی کتاب مقدس، مانند عهد عتیق، مقایسه می‌کنیم. بیایید با عنوان کلی روایت تاریخی شروع کنیم.

روایت تاریخی

روایت‌های تاریخی داستان‌هایی هستند درباره مردمی که در گذشته زندگی می‌کردند و درباره کارها و اتفاقاتی که در زمان آنها اتفاق افتاده است. اول اینکه، اناجیل روایت‌های تاریخی‌اند چون زندگی و خدمت عیسی مسیح را ثبت کرده‌اند.

کتاب مقدس و اناجیل آگاهانه به صورت روایی نوشته شده‌اند چون آدم‌ها قصه رو دوست دارند. وقتی داستان خوبی می‌خوانیم، به طور طبیعی نه تنها ذهن مان بلکه احساسات و حتی حواس فیزیکی ما هم درگیر آن می‌شود. این

داستان‌ها به ما این امکان رو می‌دهند تا تجربیات دیگران را تجربه کنیم؛ این همون قدرت داستان است. بنابراین، اناجیل، که به صورت داستان و روایت در دسترس ماست، نه تنها به ما درباره حقایق درباره عیسی می‌گوید، بلکه با این اطلاعات دست اول زندگی او را تجربه می‌کنیم و استقرار پادشاهی خداوند آسمان را برای ما به تصویر می‌کشد. محبت عیسی را، نه تنها با یک جمله «عیسی فروتنان را دوست دارد» - بلکه با داستان‌های عیسی و اینکه چطور خودش داستان‌هایی را که تعریف می‌کرد، زندگی کرد و فروتنان عزت پیدا کردند و متکبران به ذلت افتادند. داستان‌های اناجیل و شکل روایی و داستانی آنها این امکان را به ما می‌دهد تا مثل شاگردان از او پیروی کنیم. همچنین به ما کمک می‌کنند تا با شخصیت‌های اناجیل در شکست‌ها و موفقیت‌های‌شان همذات‌پنداری کنیم و در داستان زندگی خودمان به مسیح وفادار باشیم.

- دکتر جانان پانینگتن

در نوشته‌های غیردینی قدیمی، روایت تاریخی معمولاً سه بخش داشتند. در آغاز شخصیت‌ها را معرفی و برای آنها هدفی را تعیین می‌کردند. در میانه داستان به چالش‌ها و موانعی می‌پردازد که شخصیت‌ها باید برای رسیدن به هدف با آنها مواجه شوند. در آخر هم از اتفاقات رخ داده نتیجه‌گیری می‌کند. معمولاً در این بخش نشان می‌دهد که چطور شخصیت‌ها به هدف رسیدند یا نرسیدند.

اناجیل از همین چارچوب ابتدایی پیروی می‌کنند. هر کدام با معرفی عیسی به عنوان شخصیت اصلی شروع می‌شود و شرح می‌دهد که هدف عیسی آوردن نجات توسط پادشاهی خداوند است. در بخش بعدی درباره چالش‌های عیسی با مقامات و ماموریت او توضیح می‌دهند. در آخر همه آنها با شرح خدمات زمینی عیسی روایت را جمع‌بندی می‌کنند. به دلیل همین شباهت‌ها، تقریباً همه بر سر اینکه گونه ادبی اصلی اناجیل روایت تاریخی است، توافق نظر دارند.

زندگی‌نامه یونانی - رومی

بعضی مفسران می‌گویند که در تقسیم‌بندی اصلی روایات تاریخی، اناجیل جزو طبقه کوچک‌تری به نام یونانی - رومی قرار می‌گیرند.

ما در دو بخش به مقایسه اناجیل و زندگی‌نامه یونانی - رومی خواهیم پرداخت. اول راجع به شباهت‌ها و بعد درباره تفاوت‌ها صحبت خواهیم کرد. بیایید با شباهت‌ها کار را شروع کنیم.

شباهت‌ها. زندگی‌نامه‌نویسان دوران باستان، زندگی رهبران بزرگ را می‌نوشتند. اگرچه نوشته‌های آنها شخصیت‌های زیادی داشت اما زندگی‌نامه‌نویسان آن زمان داستان را طوری تعریف می‌کردند که شخصیت رهبر برجسته‌تر باشد. آنها از عقاید رهبران و قهرمانان دفاع می‌کردند و باعث شدند که شرح کارهای آنها از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. اناجیل از این لحاظ شبیه زندگی‌نامه‌های قدیمی هستند.

همچنین می‌بینیم که در انجیل متی و لوقا شجره‌نامه عیسی نوشته شده و هر چهار انجیل جزئیات مرگ عیسی را شرح می‌دهند که شبیه زندگی‌نامه‌های باستانی است. به علاوه، اناجیل مانند زندگی‌نامه‌های قدیمی روند اتفاقات زندگی عیسی را دنبال می‌کنند و مثل آنها نویسندگان اناجیل وقایع بین تولد و مرگ مسیح را با چینش مختلف تعریف می‌کنند. گاهی وقایع را با در نظر گرفتن ترتیب زمانی تعریف می‌کنند و بعضی وقت‌ها آنها را به صورت موضوعی طبقه‌بندی می‌کنند و گاهی حتی آنها را از لحاظ موقعیت جغرافیایی شرح می‌دهند.

فکر می‌کنم مهم است که اول بدانیم و تشخیص بدهیم که به طور کلی اناجیل دارای نوعی زمانبندی هستند. مثلاً، با تمیید یحیای تمییددهنده شروع می‌شوند و بعد تمیید عیسی را می‌بینیم و بعد خدمت مسیح که متعاقباً به دستگیری او ختم می‌شود. بعد هم دادگاه و مصلوب شدن عیسی و قیام او. بنابراین، عموماً ترتیب زمانی وجود دارد. اما با این وجود، اگر دو انجیل را با هم مقایسه کنید، جاهایی هست که وقایع و گفته‌ها در هر دو داده شده اما با ترتیب متفاوت. فکر می‌کنم اگر با خواندن اناجیل صرفاً به دنبال این باشیم که هر چهار انجیل دقیقاً یک روند زمانی را دنبال کنند به مشکل بر خواهیم خورد. اما بیشتر نویسندگان و در بسیاری از انواع داستان‌گویی، به نویسنده این اجازه داده می‌شود که موضوعات را به ترتیبی غیر از ترتیب زمانی هم مطرح کند. برای مثال، اکثراً شاهد ترتیب منطقی یا طبقه‌بندی موضوعی هستیم. مسیحیان اولیه، برای مثال، یوسیپوس که مورخ و اسقف مسیحی اوایل قرن چهارم میلادی بود، متوجه شد که تفاوت در ترتیب داستان‌ها در اناجیل موضوعی آشنا بوده و خوانندگان اولیه آنها مشکلی با این موضوع نداشتند، چون الزامی نمی‌دیدند که وقایع باید به ترتیب زمانی نوشته شود.

- دکتر دیوید ردلینگز

یکی دیگر از مشخصه‌های زندگی‌نامه‌نویسی یونانی - رومی این است که آنها وقایع گذشته را به عنوان واقعیت‌های تاریخی ربط می‌دهند تا از این طریق گذشته را از حال متمایز کنند. زندگی‌نامه‌ها بر ثبت زندگی و دستاوردهای منحصر به فرد و تکرارنشده‌ی شخصیت‌های خاص تاریخی متمرکزند. به طور کلی، زندگی‌نامه‌نویسان باستان سعی‌شان در تحقیق و حفظ اطلاعات درست شفاهی و مکتوب بود. به نمونه‌ای که زندگی‌نامه‌نویس معتبری به نام پلوتارک ارائه می‌دهد، توجه کنید. او که در حدود سال ۴۶ تا ۱۲۰

میلادی زندگی می‌کرد، زندگی‌نامه‌نویس یونانی غیردینی بود که در حدود سال ۷۰ میلادی، یعنی همان زمانی که اناجیل در حال نگارش بودند، نویسنده‌ی می‌کرد. او اثرش، کتاب زندگی سیسرون، را با مقدمه‌ای درباره‌ی والدین سیسرون شروع کرد، اما تصدیق کرد که اطلاعاتش درباره‌ی پدر سیسرون محدود بوده است. عموماً گفته می‌شود که هلوپا، مادر سیسرون، از خانواده‌ای اصیل بوده و زندگی خوبی داشته، اما از پدرش اطلاع چندانی در دست نیست جز مطالبی بعضاً ضد و نقیض. مدتی، بعضی او را پسر نمدمالی ماهر می‌دانستند و بعضی دیگر اصل و نسب خانواده او را به تولوس اتیوس، پادشاه مشهور ولسیانز مرتبط می‌دانستند که جنگ ناکامی در برابر رومی‌ها به پا کرد.

دقت پلوتارک در تفکیک واقعیت از خیال درباره‌ی والدین سیسرون، نشان می‌دهد که حداقل زندگی‌نامه‌نویسان آن زمان به جزئیات تاریخی دقت می‌کردند و به دنبال درستی مطالب بودند. اناجیل ثابت می‌کنند که در همه‌ی گزارشات به اندازه‌ی پلوتارک به جزئیات توجه داشته‌اند.

از دورنمای کلی، منصفانه است که بگوییم اناجیل داستان‌های تاریخی هستند که در زمانی نوشته شده‌اند که ادبیات زندگی‌نامه‌نویسی در دنیای یونانی - رومی خیلی متداول بوده است، احتمالاً این اشتیاق همگانی نسبت به زندگی‌نامه‌ها، نویسندگان اناجیل را به رعایت ساختار ادبی این نوع زندگی‌نامه‌ها تشویق کرده است. اما علی‌رغم شباهت‌های اناجیل و زندگی‌نامه‌های یونانی - رومی، تفاوت‌های مهمی هم وجود دارند.

تفاوت‌ها. علی‌رغم تفاوت‌های بسیار موجود، در این بخش فقط بر سه تفاوت تمرکز خواهیم کرد. اول اینکه مخاطبان اناجیل با مخاطبان زندگی‌نامه‌های یونانی - رومی فرق دارند.

زندگی‌نامه‌نویسان آن دوره معمولاً طیف بزرگی از مخاطبان داشتند، اما اناجیل برای خوانندگان نسبتاً خاص کلیسای اولیه‌ی مسیحی نوشته شدند. اگرچه اناجیل ویژگی‌های خاص زندگی‌نامه را در خود دارند، اما اساساً برای مخاطبان مذهبی کلیسا نوشته شده‌اند و استفاده‌ی دائمی از اناجیل در پرستش‌ها و تعالیم کلیسایی تأییدی است بر این موضوع.

دوم اینکه، از لحاظ تأکید موضوعی، اناجیل و زندگی‌نامه‌ها با هم فرق دارند. زندگی‌نامه‌نویسان یونانی - رومی معمولاً بر ارزش‌های شخصی شخصیت‌های اصلی تأکید می‌کنند و دیگران را تشویق به سرمشق‌گیری از زندگی و شخصیت آنها می‌کنند. اما، اگرچه زندگی عیسی به طرق مختلف الگوی ماست، اما تأکید اناجیل تفاوت زیادی دارد. اناجیل بر منحصر به فرد بودن عیسی تأکید دارند. آنها او را به عنوان مکاشفه‌ی خدا و نجات‌دهنده‌ی قوم خود قلمداد می‌کنند، کاری که هیچکس دیگری قادر به انجامش نیست. به همین خاطر است که اناجیل بیشتر به هفته‌ی آخر زندگی عیسی می‌پردازند یعنی همان هفته‌ی انابت.

سوم اینکه، اناجیل و زندگی‌نامه‌های قدیمی فرهنگ‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند. زندگی‌نامه‌نویسان به علائق، ارزش‌ها و روش زندگی یونانی-رومی پرداخته‌اند. اما اناجیل بیشتر تحت تاثیر فرهنگ یهودی و به ویژه عهد عتیق هستند. این امر حتی در مورد انجیل لوقا هم صدق می‌کند که خود تحت تاثیر فرهنگ و تفکر یونانی است. خلاصه، شباهت‌های قابل توجهی میان اناجیل و زندگی‌نامه‌های یونانی - رومی وجود دارند. و این شباهت‌ها می‌تواند روشنگر بعضی مفاهیم اناجیل باشد. اما به خاطر تفاوت‌های میان آنها، واضح است که اناجیل به طور کامل در گونه ادبی زندگی‌نامه یونانی - رومی جای نمی‌گیرد.

حال که روایت‌های اناجیل را در زمینه کلی داستان تاریخی و زندگی‌نامه یونانی - رومی مورد بررسی قرار دادیم، آماده‌ایم تا آنها را در گونه روایت تاریخی کتاب مقدس مقایسه کنیم.

روایت تاریخی کتاب مقدس

اگرچه تشابهات اناجیل با روایت‌های تاریخی و حتی با زندگی‌نامه‌های یونانی - رومی زیاد است اما شباهت‌های بیشتری با روایت‌های تاریخی در عهد عتیق دارند و البته این امر عجیب نیست. بالاخره روایت‌های عهد عتیق قسمتی از نوشته‌های مقدس نویسندگان اناجیل است. از اشاره‌های مکرر هر انجیل به عهد عتیق، می‌توان قاطعانه گفت که آنها عهد عتیق را بهتر از بسیاری از مسیحیان امروزی می‌دانستند و این آشنایی با عهد عتیق بر نحوه نگرش آنها در این کار تاثیر گذاشته است. علاوه بر این، نویسندگان اناجیل و روایت‌های تاریخی عهد عتیق هدف مشترکی داشتند، یعنی توضیح و دفاع از عهد خداوند با قومش. برای مثال، روایت تاریخی خروج باب ۱ تا ۱۹ زمینه تاریخی عهد موسی در خروج باب ۲۰ تا ۲۴ را فراهم می‌کند.

این موضوع با خواندن خروج باب ۲۴ آیه ۸ مشخص تر می‌شود:

و موسی خون را گرفت و بر قوم پاشیده، گفت: «اینک خون آن عهدی که خداوند بر جمیع این سخنان با شما بسته است.» (خروج ۲۴: ۸)

دیگر روایت‌های کتاب مقدس، مانند یوشع باب‌های ۱ تا ۲۴، زمینه تجدید عهد در یوشع باب ۲۴ را آماده می‌کند و روایت‌های کتاب‌های داوود و اول سموئیل زمینه تاریخی عهد داوود در دوم سموئیل باب ۷ را آماده می‌کند. و به همین روش، اناجیل زیربنای تاریخی عهد جدید را که عیسی آن را بنا نهاد آماده می‌کنند.

به روایت لوقا در انجیل لوقا باب ۲۲ آیه ۲۰ توجه کنید که چطور منعکس کننده خروج باب ۲۴ آیه ۸ است:

به همین‌سان، پس از شام جام را برگرفت و گفت: «این جام، عهد جدید است در خون من، که به خاطر شما ریخته می‌شود.» (لوقا ۲۲: ۲۰)

به طور خلاصه، وقتی اناجیل را با گونه‌های دیگر ادبی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که آنها بیشتر شبیه روایت‌های تاریخی کتاب مقدسی هستند. اما به این معنی نیست که همه جوانب آن شبیه روایت‌های تاریخی کتاب مقدسی است. چون ویژگی‌های زندگی‌نامه‌نویسی یونانی - رومی هم در آنها دیده می‌شود. از این لحاظ می‌توان گفت که اناجیل نوع جدید روایت‌های تاریخی کتاب مقدسی هستند. پس اناجیل را باید در درجه اول به عنوان روایت‌های تاریخی کتاب مقدسی بخوانیم. اما باید تاکید آنها بر زندگی عیسی را نیز مد نظر قرار بدهیم و شخصیت‌های دیگر را در رابطه با عیسی بررسی و تفسیر کنیم.

حالا که گونه ادبی اناجیل را بررسی کردیم، آماده‌ایم تا به مسئله اعتبار اطلاعات تاریخی مربوط به عیسی بپردازیم.

اعتبار

در طول تاریخ، تاریخ‌نگاران معتبر و غیرمعتبر و منابع معتبر و غیرمعتبر از هم متمایز بوده‌اند. سوالی که برای ما مطرح می‌شود این است که آیا نویسندگان اناجیل اطلاعات درست یا نادرستی از عیسی به ثبت رساندند؟ اگرچه معیارهای امروز با آن زمان یکی نیستند، اما شواهد زیادی وجود دارد که متی، لوقا، مرقس، و یوحنا منابع و انگیزه ثبت اطلاعات موثقی درباره عیسی داشتند.

اگرچه روش‌های بشمارای وجود دارد که می‌توان از طریق آنها درستی اطلاعات تاریخی زندگی عیسی را ثابت کرد، اما ما فقط به شش دلیل بسنده می‌کنیم.

دسترسی

اول اینکه نویسندگان اناجیل به اطلاعات مربوط به اتفاقات رخ داده دسترسی داشتند. و مانند امروز انتظار می‌رفت که تاریخ‌نگاران معتبر به حقایق مربوط به موضوعات مطرح شده دسترسی داشته باشند.

یک بار دیگر پلوتارک، تاریخ‌نگار رومی را به یاد بیاورید که در ابتدای کتابش زندگی دموستنی‌ها به انتظارات فرهنگی مشترک خوانندگان از یک تاریخ‌نگار می‌پردازد:

اگر کسی تقبل نگارش تاریخ را به جان می‌خرد... باید در وهله اول پیش از هر چیز باید کتاب‌های گوناگون زیادی داشته باشد تا وقایع را بداند و از اطلاعات و چیزهایی که از قلم نویسندگان افتاده باشد و به امانت خاطر مردان سپرده شده باشد باخبر شود تا مبدا کارش از بسیاری جهات ناقص باشد.

همانطور که می‌بینیم، پلوتارک به شدت بر این باور است که یک تاریخ‌نگار معتبر باید به منابع قابل اعتماد دسترسی داشته باشد و ارزش زیادی برای دقت بر درستی منابع موجود دارد، چه آنهایی که نوشتاری هستند و چه آنهایی که به صورت شفاهی به دست ما رسیده‌اند.

همه نویسندگان اناجیل یا خود شاهد عینی زندگی عیسی بودند و یا با شاهدان عینی زندگی عیسی تماس مستقیم داشته‌اند. از آنجایی که متی و یوحنا جزو شاگردان مسیح بودند، پس خودشان در بسیاری از اتفاقاتی که شرح دادند حضور داشتند. مرقس دوست و و همراه نزدیک پطرس بود و مستقیماً از او تعلیم گرفته و لوقا همسفر پولس بوده و برای نوشتن انجیل خود به دنبال شاهدان عینی بوده است. گوش کنید لوقا در انجیل لوقا باب ۱ آیه ۱ تا ۳ چه می‌گوید:

از آنجا که بسیاری دست به تألیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همانگونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند، من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما... بنگارم. (لوقا ۱: ۱-۳)

صراحت

دوم اینکه، اعتبار تاریخی اناجیل از صراحت بالای آنها مشخص می‌شود. معیارهای قدیمی تاریخ‌نگاری مستدل، تاریخ‌نگاران را ملزم به صراحت و صداقت در گزارش تاریخ می‌کرد. از آنها انتظار می‌رفت که همه جزئیات را گزارش کنند حتی آنهایی که بر ضد پیغام و موضوع طرح شده بود.

در همین زمینه، باید توجه داشت که نویسندگان اناجیل به صورت مکرر ناکامی‌های شاگردان عیسی را شرح می‌دهند. مخصوصاً در مورد متی و یوحنا، نوشته‌های آنها در حقیقت شرح ضعف‌های خود نویسندگان است. و اگر طبق گفته بعضی مفسرین قبول کنیم که در مرقس باب ۱۴ آیه‌های ۵۱ و ۵۲ جوانی که در باغ جتسیمانی برهنه می‌دوید مرقس باشد، پس مرقس ضعف خود را بازگو می‌کند. همه نویسندگان اناجیل، بدون استثنا، ضعف‌های شاگردان عیسی را بیان می‌کنند و قبول می‌کنند که رهبران کلیسای نوپا افراد کامل و بی‌عیبی نبودند.

به عنوان نمونه، در مرقس باب ۶ آیه‌های ۵۱ و ۵۲ ثبت شده که چطور وقتی عیسی به ۵۰۰۰ نفر به طور معجزه‌آسایی خوراک می‌دهد، شاگردان از درک و فهم این واقعه عاجز مانده بودند.

سپس نزد ایشان به قایق برآمد و باد فرو نشست. ایشان بی‌اندازه شگفت‌زده شده بودند چراکه معجزه‌ناها را درک نکرده بودند، بلکه دل‌شان سخت شده بود. (مرقس ۶: ۵۱-۵۲)

نویسندگان اناجیل پشت سر هم و مرتباً، از کج‌فهمی‌ها و ضعف‌های اخلاقی شاگردان عیسی می‌گویند. اما اگر گفتن این ضعف‌ها ممکن بود اقتدار و مسئولیت این رهبران کلیسا کم‌اهمیت جلوه دهد، پس چرا نویسندگان اناجیل این کار را انجام دادند؟

بسیاری از خوانندگان از اینکه شاگردان به عنوان انسان‌های کامل معرفی نشده‌اند و درک آنها از مسایل کامل نبوده ناراحتند. اما این موضوع به این نکته اشاره می‌کند که اعتبار و درستی انجیل به این است که نویسندگان حاضر شدند که با نوشتن همه جزئیات رهبران کلیسای اولیه را، نه اینکه بد، اما خوب هم جلوه ندهند. بنابراین، این خود شهادتی است بر اعتبار و درستی اناجیل.

- دکتر دیوید بو باور

بگذارید بگویم که تمایل شاگردان برای بد جلوه دادن خودشان در داستان‌های خودشان، قوی‌ترین استدلال برای اثبات اصالت اناجیل است. شما اگر روایت‌های باستانی از پادشاهان آشور و بابل یا امپراتورهای رومی را بخوانید، پیروزی پشت پیروزی پشت پیروزی است و تاریخ به گفته‌هایی مثل «اینها فتوحات شکوهمند من است!» آراسته بود. و حالا به گذشته نگاه می‌کنیم و می‌پرسیم که واقعا چه اتفاقی افتاده؟ وقتی به شاگردان نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که آنها همین آدم‌های ضعیفی هستند که می‌بینیم، باید از خودمان بپرسیم: «کدام آدم نادانی دینی از از خودش می‌سازد که قهرمانش به صلیب کشیده شود، که خودش مدرک قانون‌گریزی و نافرمانی از حکومت رومی‌هاست، با اینکه مخاطبان اولیه اناجیل یهودی بودند، در انجیل یهودی‌ها او را لعن و نفرین می‌کنند. با این حساب، هرگز کسی چنین داستانی را سرهم نمی‌کرد مگر اینکه واقعا اتفاقی افتاده باشد.

- دکتر دن دریانی

اثبات

سوم اینکه، وجود منابع تاریخی دیگر سندیت گفته‌های نویسندگان اناجیل را تقویت می‌کند. تاریخ‌نگاران رومی و یهودی تایید می‌کنند که نسخه‌هایی از اناجیل وجود دارند و حتی باستان‌شناسی نوین امروز هم شواهدی پیدا کرده که بیانگر واقعی بودن این اسناد است.

برای مثال، تاریخ‌نگاران یونانی - رومی مانند پلینی جوان، سوتنیوس، تاسیتوس، ژولیوس افریکانوس به بعضی اطلاعات اولیه از زندگی عیسی، مرگ او بر صلیب و تاثیر همیشگی آن اشاره می‌کنند.

ما مورخی یهودی به نام یوسیفوس رو داریم که در قرن اول میلادی تاریخ یهودیان را برای دولت روم می‌نویسد و در آن به وجود عیسی مسیح و پیروانش اشاره می‌کند. و تاریخ‌نگار رومی به نام تاسیتوس در قرن اول میلادی، در همان دوره یوسیفوس، درباره عیسی و هوادارانش می‌نویسد. حتی کتاب تلمود یهودیان هم بر موجودیت عیسی تاکید می‌کند.

- دکتر استیون سوکالاس

فکر می‌کنم از یک لحاظ الان بیشتر از هر وقتی، مثلاً از ۵۰ سال پیش، می‌شود از اعتبار و صحت اناجیل دفاع کرد و این به دلیل دسترسی اطلاعات زیادی درباره فلسطین یهودی قرن اول میلادی است. و این اطلاعات از طریق کشف نوشته‌هایی مانند طومارهای دریای مرده و باستان‌شناسی به دست آمده است. و باستان‌شناسی در سرزمین مقدس همچنان ادامه دارد و هر روز کشفیات جدیدی صورت می‌گیرد. پس درباره شرایط و اوضاع زمانی که مسیح در آن دوره خدمت کرد چیزهای زیادی می‌دانیم. و روش‌های زیادی برای تطابق مطالب موجود در اناجیل با اطلاعات که امروزه در دسترس ماست وجود دارند. پس آیا اینکه عیسی را به عنوان رابی یا معلم یهودی در آن شرایط خاص فرض بگیریم کاری منطقی است؟ من فکر می‌کنم که خیلی هم منطقی است. به یاد داریم که با شورش یهودیان در سال ۶۶ تا ۷۰ میلادی شرایط فلسطین یهودی چطور متحول شد. پس یک بازه زمانی محدودی داریم که در آن بتوانیم صحت اناجیل رو بسنجیم و در مقابل اگر فقط وضعیت را بعد از شورش یهودیان در نظر می‌گرفتیم، انتظار نداشتیم که همه آن مطالبی مرتبط بر این وضعیتی که در اوایل قرن اول دوران یهودیت بوده از آن اطلاع داشته باشیم.

- دکتر ریچارد باکم

تعلیم

دلیل چهارمی که باعث تقویت اعتماد ما به اناجیل می‌شود، تعلیمی است که شاگردان از مسیح گرفتند. عیسی مسیح بدون شک به شاگردانش یاد داد که گفته‌ها و کارهای او را به درستی به ثبت برسانند. در فرهنگ یهودی، شاگردسازی یک روش زندگی جافتاده و قابل قبول بود. در واقع، کلمه عبری برای شاگرد، تلمید، به معنی شاگرد یا کارآموز است. یک شاگرد، به طور خاص پیرو استاد و مردی حکیم بود. علاوه بر آن، در فرهنگ یهودی آن زمان یکی از بهترین تمرین‌ها برای یادگیری و «حفظ کردن» بود و یکی از وظایف شاگردان یادگیری حرف‌ها و دانش استادشان بود. به صحبت‌های مسیح در لوقا باب ۶ آیه ۴۰ گوش کنید:

شاگرد، برتر از استاد خود نیست، اما هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد، همچون استاد خود خواهد شد. (لوقا ۶: ۴۰)

منظور عیسی این بود که هر کس که از او پیروی می‌کند باید مطالعه کند، یاد بگیرد و زندگی‌اش را طبق آن تعالیم پیش ببرد.

دوازده شاگرد نزدیک‌ترین اشخاص به عیسی بودند و مسئولیت بزرگی برای یادگیری تعالیم داشتند و به احتمال زیاد بیشتر تعالیم مسیح را حفظ کردند.

باورهای الاهیاتی

پنجم اینکه، هیچ وقت نباید این مسئله را نادیده بگیریم که نویسندگان انجیل باورهای الاهیاتی مهمی را مطرح می‌کردند که مستلزم منبع درست و قابل اعتمادی بود. برای مثال، در یوحنا باب ۲۰ آیه ۳۱، اینطور می‌نویسد:

اینها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست، و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید. (یوحنا ۲۰: ۳۱)

در این متن، یوحنا به سادگی به مردم می‌گوید که هدیه زندگی را تنها زمانی از خدا دریافت می‌کنید که حقیقت مسیح را بدانیم و به آن ایمان بیاوریم.

همینطور، متی گفته‌های عیسی را در باب ۲۸ آیه‌های ۱۹ و ۲۰ اینطور می‌نویسد:

پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. (متی ۲۸: ۱۹-۲۰)

در اینجا، متی می‌گوید که شاگردان عیسی وظیفه دارند که به فرمان عیسی مبنی بر اینکه هر آنچه عیسی به آنها یاد داده بود را به دیگران یاد دهند. آنها به عنوان پیروان حقیقی عیسی، حتما می‌دانستند که باید حقایق مربوط به کارها و گفته‌های او را منتقل کنند. نویسندگان اناجیل وقایع زندگی مسیح را فقط به خاطر ارزش تاریخی آن نوشتند بلکه برعکس، می‌دانستند که ایمان به عیسی فراتر از دانستن اطلاعات تاریخی درباره او بود. اما همچنین می‌دانستند که ایمان واقعی نباید بر مبنای اسناد غلط و بی‌اساس باشد. آنها گفته‌ها و کارهای عیسی را به صراحت نوشتند چون می‌خواستند تا خوانندگان به عیسای واقعی که وجود تاریخی داشته ایمان بیاورند.

روح‌القدس

ششم اینکه، نویسندگان انجیل برای ثبت گفته‌ها و کارهای عیسی تنها نبودند. روح‌القدس در این کار به آنها کمک کرد.

مکاشفه کلام خدا، تعلیمی حیاتی و اساسی است چون در نهایت برای کل کتاب‌مقدس یک نویسنده را معرفی می‌کند. بنابراین، وقتی شاهد چهار انجیل با چهار رویکرد مختلف درباره عیسی هستیم، باید ارزش آنها را بدانیم، اما باید این را هم بدانیم که همه آنها با مکاشفه و کمک روح‌القدس نوشته شده‌اند. پس آنها موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرند و مخاطبان‌شان هم فرق می‌کنند. اناجیل مختلف، دارای موضوعات، الاهیات، مخاطبان، و پیشینه‌ای متفاوت هستند و تجربیات مختلفی را با عیسی به دست می‌دهند اما اناجیل علی‌رغم تنوع ناشی از تالیف انسانی‌شان دارای انسجام شگرفی هم هستند. مکاشفه روح‌القدس در کتاب‌مقدس عاملیت و دخالت انسان در آن را از بین نمی‌برد بلکه به این معنی است که خدا دقیقاً آنچه را که می‌خواهد از طریق کار انسان به دست می‌آورد.

- دکتر اریک تئونس

به گفته‌های عیسی در یوحنا باب ۱۴ آیه ۲۵ و ۲۶ توجه کنید:

این چیزها را زمانی به شما گفتم که هنوز با شما هستم. اما آن مدافع، یعنی روح‌القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هرآنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد. (یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶)

شاگردان عیسی هر چقدر هم در حفظ کردن خوب بودند، نمی‌توانستند بر همه موضوعات آگاه و مسلط باشند. به همین دلیل است که عیسی وعده داد که روح‌القدس را برای شاگردان می‌فرستد و روح‌القدس به آنها قدرت داد تا هر آنچه که کلیساهای دوران مختلف باید درباره کارها و گفته‌های عیسی بدانند، به آنها یادآوری کند. همانطور که یوحنا در باب ۲۱ آیه ۲۵ انجیل خود می‌نویسد:

عیسی کارهای بسیار دیگر نیز کرد که اگر یک به یک نوشته می‌شد، گمان نمی‌کنم حتی تمامی جهان نیز گنجایش آن نوشته‌ها را می‌داشت. (یوحنا ۲۱: ۲۵)

جالب اینکه وقتی با مردم درباره عیسی صحبت می‌کنید و از آنها می‌پرسید که عیسی کی بود، بعضی ممکن است بگویند که او یک معلم دین یهود بود یا شاید بعضی‌ها ادعا کنند که اگر به ادیان مختلف جهان و گروه‌های مختلف نگاه کنیم، آنها ادعاهای متفاوتی درباره او دارند. اما در سایه حکمت خدا، خدا از طریق روح‌القدس شاهدان عینی را هدایت می‌کند تا راز ایمان را در چهار روایت مکمل متی، مرقس، لوقا و یوحنا بنویسند. این روایت‌ها خواه از زبان خود نویسنده یا منابع در دسترس او بوده باشند، شهادت عینی و قطعی آنها تحت حفاظت روح‌القدس که معیار اساسی کار بوده است قرار گرفته. پس اگر کسی بگوید: «عیسی فلان یا بهمان کاری را انجام می‌داد» ما می‌توانیم به روایت مستند مکتوبی مراجعه کنیم. یعنی خدا سنگ بنایی ایمانی به ما بخشیده.

- دکتر رابرت پلامر

جایگاه انجیل در کلیسا

حالا که دربارهٔ خصوصیت ادبی اناجیل صحبت کردیم، می‌توانیم به جایگاه اناجیل به عنوان متون مکتوب مستدل پردازیم. در اینجا، جایگاه اناجیل را در کلیسا با در نظر داشتن ساختار نوشتاری و صحت آنها در مقام کلام خدا بررسی خواهیم کرد. پیش از هر چیز به ساختار نوشتاری اناجیل می‌پردازیم.

ساختار نوشتار

وقتی صحبت از ساختار نوشتاری اناجیل می‌کنیم، منظور ما این است که اناجیل چگونه نوشته شدند؟ نویسندگان چه کسانی بودند؟ چرا این کتاب‌ها را نوشتند؟ چگونه این کتاب‌ها را نوشتند؟ سوالاتی از این قبیل برای مسیحیان بسیار مهم هستند چون مفسرین بیشماری با تاکید بر روند انسانی نگارش اناجیل سعی بر کم اهمیت جلوه دادن دخالت الهی در این کتب دارند. اما خبر خوش این است که بررسی‌های دقیق، دلایل قطعی به ما ارائه می‌کنند که اناجیل نه تنها کار دست انسان بلکه کلام خدا نیز است.

در این بخش به سه موضوع دربارهٔ ساختار نوشتاری اناجیل نگاهی می‌اندازیم. اول، تشابهات میان روایت‌های گوناگون اناجیل را بررسی می‌کنیم. دوم، به برخی از فرضیه‌های نگارشی که به توضیح این تشابهات می‌پردازند نگاهی می‌اندازیم. و سوم، تفاسیری بر صحت این نظریات ارائه خواهیم داد. حال بیایید بحث را با تشابهات میان اناجیل شروع کنیم.

تشابهات

با اینکه روایات اناجیل متی، مرقس و لوقا جداگانه نوشته شده‌اند، اما اغلب آنها را در یک گروه و تحت عنوان اناجیل هم‌نو دست‌بندی می‌کنند. کلمهٔ «هم‌نو» به معنای «هم آواز یا هم‌صدا» است و این عنوان به این دلیل به آنها داده شده چون مطالب مشترک زیادی را در بر می‌گیرند. این اناجیل شامل روایت‌های مشترکی دربارهٔ کارها و گفته‌های عیسی هستند و وقتی که دربارهٔ گفته‌های عیسی صحبت می‌کنند، غالباً از کلمات مشابه استفاده می‌کنند.

برای مثال، داستان شفای مرد افلیج را در نظر بگیرید. در متی باب ۹ آیهٔ ۶ دربارهٔ این داستان و گفته‌ها و کارهای خداوند عیسی، می‌خوانیم:

لیکن تا بدانید که پسر انسان را قدرت آمرزیدن گناهان بر زمین هست... آنگاه مفلوج را گفت: «برخیز و بستر خود را برداشته، به خانهٔ خود روانه شو!» (متی ۹: ۶)

حال به مرقس باب ۲ آیه ۱۰ و ۱۱ گوش کنید:

لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست... مفلوج را گفت: «تو را می‌گویم برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو!» (مرقس ۲: ۱۰-۱۱)

و همچنین در لوقا باب ۵ آیه ۲۴ می‌خوانیم که:

لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناه بر روی زمین هست، مفلوج را گفت: «تو را می‌گویم برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو.» (لوقا ۵: ۲۴)

در این مثال، می‌بینیم که اناجیل هم‌نوا تقریباً داستان این معجزه را کلمه به کلمه شبیه هم نقل می‌کنند. داستان‌های هم‌راستای دیگری نیز هستند که دست کم در دو انجیل از اناجیل هم‌نوا آورده شده‌اند از قبیل شفای جذامی، اخراج ارواح در کفرناحوم، شفای مادرزن پطرس، آرام کردن طوفان در دریا، زنده کردن دختر یائیروس، محول کردن خدمت به دوازده شاگرد، راه رفتن عیسی بر روی آب، شفای دست از کارافتاده یک مرد، خوارک دادن به پنج هزار نفر با نان و ماهی و تبدیل هیئت عیسی.

اناجیل متی، مرقس، و لوقا را غالباً به عنوان اناجیل هم‌نوا می‌شناسند چون دیدگاه‌شان نسبت به مسایل مثل هم است و به قولی با یک عینک به موضوعات نگاه می‌کنند. و همین موضوع گاهی این تلقی را به وجود می‌آورد که چرا فقط یک انجیل نداریم؟ باعث تأسف می‌بود اگر که حتی یکی از این اناجیل هم‌نوا را نداشتیم چون هر کدام با دیگری تفاوت خیلی کمی دارد و همین تفاوت کم هم ارزش داشتن هر سه آنها را دارد. انجیل مرقس از دیگر اناجیل پررنگ‌تر است و بعضی از داستان‌ها را بیشتر طول و تفصیل می‌دهد. اگر چه انجیل کوتاهی است اما اتفاقاتی را که نقل می‌کند طولانی‌ترند. در عوض، انجیل متی همه چیز را خیلی فشرده تعریف می‌کند تا مطالب بیشتری را در کتابش بگنجاند. به خصوص، متی سعی می‌کند تعالیم عیسی را بنویسد اما در کمال تعجب مرقس بیشتر تعالیم مسیح را حفظ می‌کند. پس انجیل متی عیسی مقتدر، عیسی معلم، و خلاصه‌ای از تعالیم عیسی را ارائه می‌دهد. اما لوقا به ما چه داده؟ خُب، لوقا تعالیم بیشتری به ما می‌دهد. لوقا مثل‌های بیشتری به ما می‌دهد - خیلی بیشتر از متی - و به جنبه انسانی مسیح می‌پردازد، عیسایی که با همه رابطه برقرار می‌کند، آنها را دوست دارد و مهربان است. بعضی بر این باورند که لوقا فقط یک پزشک نبود بلکه روانشناس هم بود؛ چون می‌تواند احساسات و عواطف

افراد را به خوبی بیان کند. و بر این اساس، فکر می‌کنم که در این سه انجیل به ما سه متن ارزشمند و متفاوت داده شده که باید برای هر کدام اهمیت زیادی قائل باشیم.

- دکتر پیتر واکر

فکر می‌کنم دلیل اصلی وجود سه انجیل و سه روایت درباره زندگی عیسی اساساً به خاطر این است که غنا و زیبایی شخصیت عیسی را تنها با یک روایت نمی‌توان ثبت کرد. و وقتی فکرش را می‌کنم که نقشه خدا چه بود، هیچ نویسنده‌ای به تنهایی نمی‌توانست با این دقت آنچه عیسی به کمال رساند، آنچه گفت و آنچه انجام داد را توضیح دهد. با این همه می‌خواهم این را هم اضافه کنم که باید نسبت به تفاوت‌های اناجیل دقیق و حساس باشیم. درست است که آنها اساساً یکی هستند اما نکات ظریف و رنگ خاص خود را دارند. پس، از یک سو کارهای عیسی را بیان می‌کنند و از سوی دیگر ابعاد مختلف شخصیت عیسی را شرح می‌دهند. بنابراین، به نوعی شبیه تصاویر سه بعدی است یعنی همه چیز در تصویر است اما وقتی از زوایای مختلف نگاه می‌کنی، تصویر متفاوتی می‌بینی و این تصویر عیسی است. پس در این تصویر چند بعدی از مسیح، حکمت خدا و مکاشفه روح القدس را می‌بینیم.

- دکتر توماس شرانیر

برخلاف اناجیل هم‌نوا، موضوعات مطرح شده در انجیل لوقا منحصر به فردند. همچنانکه اتفاقاتی مانند راه رفتن عیسی بر روی آب و خوراک دادن به پنج هزار نفر را بیان می‌کند، به بسیاری از اتفاقات دیگری می‌پردازد که در اناجیل هم‌نوا دیده نمی‌شوند. برای مثال، در یوحنا روایت تبدیل آب به شراب، گفتگوی عیسی با زن سامری و زنده کردن یائیروس را می‌خوانیم.

اگرچه داستان‌های خدمت و زندگی عیسی در چهار انجیل با هم متفاوتند اما هر چهار نویسنده تعمید عیسی، شام آخر، مرگ مسیح بر روی صلیب و قیام او از مردگان را با چشم خود دیده‌اند.

این تشابهات و تفاوت‌ها در میان اناجیل باعث تنوع نظراتی شده که با هم در حال رقابتند. پس حالا بیایید به فرضیه‌های ساختار نگارشی اناجیل بپردازیم.

نظریات نگارشی

به دلیل تشابهات بسیار میان اناجیل هم‌نوا، محققان فرضیه‌های زیادی را درباره تاریخچه نوشتاری آنها مطرح کرده‌اند. اغلب، به سراغ مطالعه این فرضیه‌ها می‌رویم. در ابتدا کمی سردرگم کننده‌اند. ممکن است فرضیه‌های مطرح‌تر و معمول‌تر را اینطور خلاصه کرد که بیشتر مفسرین بر این باورند که اول مرقس نوشته شده و بعد متی و لوقا از نوشته‌های مرقس و دیگر منابع استفاده کردند. اما مفسرین دیگری عقیده دارند که متی اول نوشته شده و

مرقس نوشته‌های متی را به کار برده و بعد لوقا از کتاب‌های متی و مرقس استفاده کرده‌اند. اما هنوز هستند کسانی که بر این باورند که متی و لوقا بر مبنای منابعی نوشته شده‌اند که امروزه در دسترس نیستند و مرقس از این دو انجیل استفاده کرده است. همانطور که می‌بینید، حتی مقایسه ویژگی‌های کلی این فرضیه‌ها هم کمی سردرگم‌کننده هستند.

در مقابل، ساختار نگارشی یوحنا خیلی ساده است. اکثر مفسرین هم نظرند که یوحنا تقریباً در اوایل قرن اول میلادی انجیل خود را نوشت و با حداقل یک انجیل یا شاید همه اناجیل هم‌نو آشنا بوده است. گاهی گفته می‌شود که او از تکرار مطالبی که در اناجیل هم‌نو نوشته شده بود خودداری کرد و تصمیم گرفت که اطلاعات بیشتری درباره مردمی که در میان آنها خدمت می‌کرد به دست بدهد.

حالا با در نظر گرفتن این فرضیه‌ها، بیایید ببینیم که بر چه پایه‌ای باید به آنها اطمینان کنیم.

اطمینان

در ابتدا این را به یاد داشته باشید که نویسندگان اناجیل اغلب گفته‌های شفاهی و نوشتاری را مورد استفاده قرار دادند - البته این الهامی بودن و اقتدار کلامی آنها را از میان نمی‌برد. پس، در اصل اشکالی ندارد که قبول کنیم که نویسندگان اناجیل بر منابع اولیه اتکا کردند. همانطور که لوقا در انجیل لوقا باب ۱ آیه ۱ تا ۳ می‌نویسد:

از آنجا که بسیاری دست به تألیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همانگونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند، من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما... بنگارم. (لوقا ۱: ۱-۳)

به نظر می‌رسد دیگر نویسندگان اناجیل هم به منابع مشابهی دسترسی داشته‌اند، اما آنها این را مثل لوقا به صراحت اعلام نکردند. اگر مثل اکثر مفسرین فرض کنیم که مرقس اولین انجیل را نوشته، پس او به انجیلی که قبلاً نوشته شده، دسترسی نداشته اما یقیناً حداقل از گفته‌های شفاهی دوست صمیمی‌اش پطرس استفاده کرده است. احتمالاً لوقا و متی از انجیل مرقس به عنوان الگو استفاده کرده‌اند. علاوه بر این، متی و یوحنا خود نیز تعالیم و زندگی مسیح را به یاد می‌آوردند. و همانطور که قبلاً دیدیم بدون تردید هر چهار نویسنده تحت نظارت روح‌القدس اناجیل را نوشته‌اند.

به طور خلاصه، دانستن این فرضیه‌ها درباره رابطه میان اناجیل خیلی خوب است. اما لازم نیست که همه جزئیات را بدانیم یا بخواهیم یکی را اساس و پایه قرار دهیم. آنچه این فرضیه‌ها ارائه می‌دهند این است که اطمینان داشته باشیم که نویسندگان اناجیل هر کدام این امکان را داشته‌اند که اطلاعات را از منابع گوناگونی دریافت کنند و

روایات مستدلی از تعالیم و زندگی عیسی به نگارش درآورند. وقتی تشابهات روایت‌های اناجیل را می‌بینیم، باید بدون توجه به اینکه کدام مقدم‌تر است، دیدگاه‌های مختلف آنها را در نظر بگیریم. و وقتی مطلبی را می‌خوانیم که تنها در یکی از اناجیل آمده باید آن را با در نظر گرفتن هدف خاص آن نویسنده بخوانیم. حالا که ساختار نگارشی چهار انجیل را بررسی کردیم، اعتبار و صحت این اناجیل را از نظر می‌گذرانیم.

اصالت

در قرون اولیهٔ کلیسا، دربارهٔ اینکه کدام‌یک از کتب عصر رسولان واقعا متعلق به عهد جدید است، اختلاف نظرهایی وجود داشت. بعضی از رهبران کلیساهای اولیه همهٔ این کتاب‌هایی که امروز در عهد جدید هستند را تایید نمی‌کردند. برخی دیگر، بر این باور بودند که کتاب‌های بیشتری از این ۲۷ کتابی که در عهد جدید امروزی است را باید به آن اضافه می‌شد.

اما این اختلاف نظرها هیچ وقت بر سر انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا نبودند. این چهار انجیل، و نه هیچ انجیل دیگری، همیشه از طرف کلیساهای وفادار خدا به عنوان اناجیل واقعی و معتبر تایید شده‌اند. برای مثال، اوريجن، از پدران کلیسا در قرن سوم میلادی که در سال‌های ۱۸۵ تا ۲۳۲ میلادی زندگی می‌کرد، می‌گوید که تنها همین چهار انجیلی که در عهد جدید هستند اصیل و معتبرند. یوسیبوس، مورخ کلیسا که طی سال‌های ۲۶۳ تا ۳۴۰ میلادی زندگی می‌کرد، در کتابش از اریجن نقل قول می‌آورد. به گفته‌های یوسیبوس که در کتاب خود به نام تاریخ کلیسا، جلد شش، فصل ۲۵ به اریجن نسبت می‌دهد گوش کنید:

این چهار انجیل... تنها اناجیل بلامنازع و مسلم کلیسای خدا روی زمین هستند.

علاوه بر این، آیرینیوس که یک قرن پیشتر در سال‌های ۱۳۰ تا ۲۰۲ میلادی زندگی می‌کرد، در کتاب در تقابل با بدعت‌ها جلد ۳ فصل ۷ بخش ۸ مجموعا راجع به انجیلی چهار لایه صحبت کرده است. به گفته‌های او گوش کنید:

ممکن است اناجیل بیشتر یا کمتر از آنهایی باشند که ما در اختیار داریم... او که برای انسان ظهور یافت، یعنی عیسی، انجیل را به صورت چهار منظر و نمود به ما بخشید، اما آنها را توسط یک روح در یک مصحف قرار داد.

آیرینیوس گفته است که به یاد نمی‌آورد که بر سر این چهار انجیل اختلاف نظری وجود داشته باشد یا اینکه انجیل دیگری به جز این چهار انجیل در پرستش کلیسایی استفاده شده باشد.

نویسندگان قابل اعتماد

حداقل سه دلیل برای اعتماد کامل کلیسای اولیه به این چهار انجیل وجود دارد. اول اینکه، کلیسا اناجیل را قابل اعتماد و مستدل دانست چون توسط نویسندگانی قابل اعتماد همنام با خود این نویسندگان نوشته شده‌اند. به احتمال خیلی زیاد اناجیل در ابتدای امر بی‌نام بودند اما این احتمال هم وجود دارد که وقتی برای اولین بار منتشر شدند، مردمی آنها را خواندند که اسم نویسندگان را می‌دانستند و یا شاید اناجیل با عنوان نام‌هایی با اسم نویسنده‌شان توزیع شدند. و از همان زمان، کتب مسیحی منتسب به نام اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا - چهار مرد خوشنام کلیسا عهدجدید شناخته شدند.

تایید رسولان

دوم اینکه، مسیحیان اولیه به این دلیل که این کتاب‌ها تایید رسولان را داشتند مطمئن بودند که این اناجیل جزو کتب کانونی کتاب مقدس قرار می‌گرفتند.

متی و یوحنا جزو رسولان و شاهد عینی کارها و گفته‌های مسیح بودند. عقیده بر این است که مرقس بیشتر اطلاعات خود را از طریق پطرس که با خطاب محبت‌آمیز «پسرم» از مرقس در اول پطرس باب ۵ آیه ۱۳ یاد می‌کند دریافت کرده است. و همانطور که قبلاً دیدیم در لوقا باب ۱ آیه ۱ تا ۴، لوقا توضیح می‌دهد که کتابش بر پایه روایت‌های شاهدان عینی است.

علاوه بر این، یوسیپوس در کتاب تاریخ کلیسای خود می‌نویسد که یوحنا رسول خود شخصاً سه انجیل دیگر را قبل از نوشتن انجیل خودش تایید کرده است. به آنچه که یوسیپوس درباره یوحنا رسول در جلد ۳، فصل ۲۴ نوشته است توجه کنید:

سه انجیل به نام‌های متی، مرقس، و لوقا که بیشتر در دسترس همگان قرار گرفته و به دست خود او نیز رسید، گویند که او آنها را پذیرفت و بر درستی آنها شهادت داد.

شهادت کلیسا

سوم اینکه، همهٔ چهار انجیل با شهادت کلیسا در قرن اول مورد تایید کلیسا قرار گرفته است. این چهار کتاب آنقدر قدمت دارند که شاهدان زندهٔ زندگی و خدمت مسیح بتواند روایت‌های آنها را تایید و یا رد کنند. و چنین هم شد که شاهدان عینی آنها را با پذیرش سریع در کلیسا تایید کردند.

خداوند از زبان خودش بر صحت کلامش تاکید می‌کند. اما برای اطمینان بیشتر می‌توانیم به رویدادهای تاریخی که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده نگاه کنیم و آنها را با منابع دیگر تاریخی تطبیق بدهیم. اما از نگاهی وسیع‌تر و کلی‌تر، می‌توانیم شرایط اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و همهٔ موارد کلی اشاره شده در کتاب مقدس را نظر بگیریم و درستی آنها را با آن دورهٔ تاریخی مشخص که در آن نوشته شده‌اند، که شامل فلسطین قرن اول میلادی یعنی زمان نگارش اناجیل تطبیق بدهیم. در عین حال، وقتی به چیزهای تاریخی مشخصی در کتاب مقدس و شرایط و اتفاقات تاریخی توصیف شده نگاه می‌کنیم، اناجیل به خودی خود دلیلی منطقی برای دانستن زمان نگارش آنها به دست می‌دهند و شهادت روح القدس به ما اطمینان کامل می‌دهد که این کلام خداست. بنابراین در قرن اول و دوم کلیسای اولیه، اناجیلی که به عنوان اناجیل کانونی می‌شناسیم، همه متفق القول آنها را به عنوان نوشته‌های رسولان یا منابع مربوط به آنها مورد پذیرش قرار دادند و به عنوان شهادت عینی معتبر و قابل استناد از کارها، شخصیت و فکر مسیح تلقی شدند.

- کشیش مایکل گلودو

دلایل زیادی وجود دارد که باور کنیم اناجیل قابل اعتماد، الهامی و بر مبنای حقیقت بوده اما احتمالاً مهم‌ترین چیزی که می‌توانم بگویم این است که این شاهدان عینی با زندگی خود مهر تاییدی بر شهادت خود زدند. آیا همیشه تصور کرد که آنها گفته باشند: «خب این چیزهایی رو که نوشتم همه‌اش داستان بوده» و بعد کتک و شلاق بخورند و به زندان بیفتند و مصلوب بشوند. آنها به خاطر حرفی که زده بودند جان‌شان را دادند. می‌دانیم که انسان‌ها به دلایل مختلف حاضر به مردن هستند، ... بیشتر وقت‌ها هم به خاطر دروغ می‌میرند. اما بیشتر آنهایی که به خاطر دروغ می‌میرند، نمی‌دانند که باورشان دروغ است. تعداد انگشت شماری هستند که بدانند به خاطر دروغ کشته می‌شوند به شرطی که این دروغ برای‌شان قدرت و ثروت خریده باشد. اما نویسندگان اناجیل اینها را نداشتند. آنها در این جهان کسی نبودند، آدم‌هایی فراری و فقیر بودند، رنج کشیدند، کتک خوردند، و کشته شدند و هیچکدام حرفش را پس نگرفتند. پس می‌توانیم مطمئن باشیم که همهٔ این اتفاقات واقعا اتفاق افتاده.

- دکتر دن دریانی

حالا که از خصوصیت ادبی و جایگاه اناجیل در کلیسا صحبت کردیم، بیایید به وحدت چهار انجیل عهد جدید نگاهی بیندازیم.

وحدت

وحدت اناجیل را ابتدا با تایید اینکه همه اناجیل بازگوکننده پادشاهی خداوند هستند و دوم با تاکیدشان بر اینکه عیسی پادشاهی خداوند است، ادامه می‌دهیم. پس بیایید با اثبات اینکه موضوع کلی و اصلی همه چهار انجیل عهد جدید یکی است بحث خود را آغاز کنیم.

همان داستان

به طور کلی، می‌توان گفت که داستانی که در کتاب‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا گفته می‌شود همان خبرخوش یا انجیل است. در واقع، به همین خاطر است که این چهار کتاب را «اناجیل» می‌نامند. اینها کتبی هستند که داستان انجیل را می‌گویند. اما داستان انجیل دقیقا چیست؟

کلمه «انجیل» برگرفته از واژه یوانگلیون به معنای «خبر خوش» است. پس وقتی در کتاب مقدس صحبت از انجیل عیسی می‌شود، منظورش خبر خوشی درباره عیسی است. اما این خبر خوش چیست؟ عیسی کیست؟ و داستان انجیل درباره او چه می‌گوید؟

برای پاسخ به این سوالات باید بدانیم که در زمان‌های قدیم، کلمه «انجیل» گاهی برای یک نوع خبر خاص استفاده می‌شده است. مخصوصا، زمانی که پادشاهان و امپراتورهای جنگجو، سرزمین‌های جدیدی را فتح می‌کردند برای اعلام این پیروزی‌ها بیانیه‌های شاهانه می‌دادند که به آن «خبر خوش» می‌گفتند. در این کاربرد کلمه «انجیل»، «خبر خوش» یعنی اعلام پیروزی پادشاه و برکت سلطنت پادشاه برای مردم بود. و در واقع، «انجیل» در عهد قدیم به همین معنا به کار برده شده است.

برای نمونه، به اشعیا باب ۵۲ آیه ۷ گوش کنید:

چه زیبا است بر کوه‌ها پای‌های مبشر که سلامتی را ندا می‌کند و به خیرات بشارت می‌دهد و نجات را ندا می‌کند و به صهیون می‌گوید که خدای تو سلطنت می‌نماید! (اشعیا ۵۲:۷)

در این متن، اشعیا رویای شگفت‌انگیز نزدیک شدن میسرانی را می‌بیند که بر روی کوه‌های اطراف اورشلیم خبر خوش پایان تبعید قوم اسرائیل را اعلام می‌کنند. این صلح و نجات نتیجه پادشاهی خداوند است.

در زمان نبوت اشعیا، پادشاهی خدا یعنی برقراری سلطنت او بر زمین، همان خبر خوشی بود که مردم اسرائیل و یهودا می‌خواستند آن را بشنوند. خبری خوشی که از پادشاهی خداوند می‌گفت و برای آنها رهایی از دست دشمنان و زندگی در پادشاهی جهانی و ابدی خداوند را بشارت می‌داد.

اما در زمان اشعیا، هنوز این کار انجام نشده بود. پیشگویی اشعیا به زمانی در آینده اشاره می‌کرد که خداوند به عنوان پادشاه می‌آمد و بر کل زمین پادشاهی می‌کرد. و خبر خوشی که متی، مرقس، لوقا و یوحنا دادند این بود که روز موعود بالاخره با آمدن عیسی فرا رسید. همه نویسندگان اناجیل از یک روایت خبر دادند - همه به عیسی اشاره داشتند یعنی کسی که سلطنت خداوند را آورد و پیشگویی‌های عهد عتیق را محقق کرد. آنها مبشرانی خوش قدمی بودند که خبر خوش برقراری سلطنت خداوند با آمدن آخرین پادشاه یعنی مسیح را اعلام کردند. این روایت مشترک آمدن پادشاهی همان وحدت غالب موجود در چهار انجیل است.

در پرتو این واقعیت، عجیب نیست که بدانیم اناجیل عهد جدید از کلمه «انجیل» و «بشارت» خیلی کمتر از کلمات مرتبط با پادشاهی خداوند استفاده کردند. شکل‌های مختلف کلمه «انجیل» فقط در بیست و سه آیه در همه کتاب‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا آمده است. در مقابل، عباراتی مثل «پادشاه»، «پادشاهی خداوند» و اصطلاح خاص متی «پادشاهی آسمان» تقریباً ۱۵۰ بار تکرار شده‌اند.

حالا که فهمیدیم همه اناجیل همان خبر پادشاهی خداوند را اعلام می‌کنند، بیایید نگاهی بیندازیم بر تاکید این اناجیل بر عیسی به عنوان پادشاهی که سلطنت خداوند را برقرار می‌کند.

عیسی

بحث ما درباره عیسی در مورد پادشاهی خدا به سه قسمت تقسیم می‌شود. اول، دلایلی را که اناجیل برای نشان دادن اینکه عیسی سلطنت را با خود می‌آورد را مورد توجه قرار می‌دهیم. دوم، کلماتی را که کتاب مقدس درباره عیسی و سلطنتش استفاده می‌کند را توضیح می‌دهیم و سوم خواهیم دید که عیسی سلطنت را در چند مرحله برقرار می‌کند. بیایید با چند دلیل برای اثبات برقراری پادشاهی توسط عیسی بحث خودمان را شروع کنیم.

دلایل

اناجیل به طرق مختلفی آمدن پادشاهی خداوند در مسیح را ابراز می‌کنند. اما در این درس، ما بر روی فقط سه روش تاکید خواهیم کرد. اولین استدلال یا دلیل پادشاهی خداوند که به آن اشاره خواهیم کرد اقتدار عیسی بر ارواح پلید است. به آنچه عیسی در متی باب ۱۲ آیه ۲۸ می‌گوید گوش کنید:

لیکن هرگاه من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، هر آینه ملکوت خدا بر شما رسیده است. (متی ۱۲: ۲۸)

در این آیه، عیسی این کلام را درست بعد از اخراج روح شریب به زبان آورد. و قدرت اخراج ارواح پلید ثابت می‌کرد که او پادشاهی خداوند را آورده است.

روش دیگری که اناجیل برقراری سلطنت خداوند را نشان می‌دهند قدرت عیسی در شفای بیماران و زنده کردن مردگان بود.

اناجیل مرتباً به قدرت شفای عیسی و همچنین دادن همان قدرت به شاگردان اشاره می‌کنند. و این دلیلی بر برقراری پادشاه خداوند بود. این مضمون را در متی باب ۴ آیات ۲۳ و ۲۴، باب ۸ آیات ۵ تا ۱۳، و باب ۱۰ آیات ۷ و ۸ می‌بینیم. همچنین، این را در لوقا باب ۹ آیات ۱ تا ۱۱ و باب ۱۰ آیه ۹ و خیلی جاهای دیگر می‌بینیم. آمدن این پادشاهی در قدرت عیسی در آموزش گناهان نیز دیده می‌شود. به آنچه اشعیا درباره آمدن ماشیح در کتاب اشعیا باب ۳۳ آیات ۲۲ تا ۲۴ می‌گوید گوش کنید:

زیرا خداوند داور ما است. خداوند شریعت‌دهنده ما است. خداوند پادشاه ما است پس ما را نجات خواهد داد. ریسمان‌های تو سست بود که پایه دکل خود را نتوانست محکم نگاه دارد و بادبان را نتوانست بگشاید، آنگاه غارت بسیار تقسیم شد و لنگان غنیمت را بردند. لیکن ساکن آن نخواهد گفت که بیمار هستم و گناه قومی که در آن ساکن هستند آمرزیده خواهد شد. (اشعیا ۳۳: ۲۲-۲۴)

اشعیا اشاره می‌کند که آموزش گناهان و شفای بیماران تنها در اختیار خداست و پیشگویی می‌کند که آموزش گناهان و شفای بیماران سرانجام با آمدن ماشیح و استقرار پادشاهی خداوند بر روی زمین توسط او تحقق می‌یابد.

و این درست همان کاری است که عیسی انجام داد. او مردم را به ورود به پادشاهی خداوند دعوت کرد. او به جای مرگ به آنها حیات و زندگی را پیشکش کرد. این پیغام نجات و رهایی از گناه بود. به گفته‌های عیسی در مرقس باب ۲ آیه ۹ تا ۱۱ گوش کنید:

گفتن کدامیک به این مفلوج آسان‌تر است، اینکه «گناهان آمرزیده شد» یا اینکه «برخیز و تخت خود را بردار و راه برو؟» حال تا بدانید که پسر انسان بر زمین اقتدار آموزش گناهان را دارد... به مفلوج گفت: «به تو می‌گویم، برخیز، تشک خود بگیر و به خانه برو!» (مرقس ۲: ۹-۱۱)

وقتی عیسی اعلام کرد که او، پسر انسان، همان کسی است که آورنده پادشاهی است و این قدرت را دارد که گناهان را بیامرزد، همه را شگفت‌زده کرد.

از طریق عیسی، سلطنت خدا شروع و فرمانروایی و پادشاهی خدا بر زمین برقرار شده بود و این به معنی برکت برای قوم خدا بود و اینکه صلح و آرامش خدا که اشعیا سال‌ها پیش، آن را پیشگویی کرده بود بالاخره تحقق پیدا کرد.

این دلایل را به ذهن بسپارید تا در قسمت بعد درباره کلماتی که اناجیل برای اشاره به عیسی و پادشاهی خداوند استفاده می‌کنند صحبت کنیم.

کلمات

یکی از دلایلی که گاهی مسیحیان بلافاصله متوجه تاکید اناجیل بر پادشاهی خداوند نمی‌شوند این است که نویسندگان اناجیل عبارات مختلفی را برای آن به کار برده‌اند. واضح است که آنها از کلمه «پادشاه» و «پادشاهی» استفاده کرده‌اند. اما آنها از کلمات «سلطنت»، «فرمانروایی»، «اقتدار»، «تخت سلطنت»، «پسر داوود» و خیلی از کلمات دیگر برای اشاره به اقتدار و فرمانروایی خداوند استفاده کرده‌اند.

نویسندگان اناجیل از کلمات متنوعی برای صحبت درباره پادشاهی خداوند استفاده کرده‌اند و البته نه تنها کلمات واضح و صریح بلکه مضامین مرتبط را هم به کار برده‌اند. برای نمونه، می‌بینیم که لقبی که برای عیسی مانند کریستوس، به معنی «ماشیح»، «مسح شده» در عهد عتیق برای اشاره به پادشاهان، پسر داوود، به کار رفته است. و یا کلمه کیوروس یا همان سرور یا آقا که در ترجمه فارسی به خداوند ترجمه شده هم برای عیسی به کار می‌رود و او را پادشاه خطاب می‌کند، یعنی کسی مثل سزار چون سزار هم این لقب را داشت. پس در شرایط زمانی که نویسندگان اناجیل زندگی می‌کردند، مردم نوع قدرتی را که کلمه «سرور» یا همان «خداوند» را منتقل می‌کرد را کاملا درک می‌کردند. و مسلماً مهم‌ترین عبارت با این مضمون عبارت «پادشاهی خداوند» است و در کتاب متی «پادشاهی آسمان» این عبارت می‌تواند دو مفهوم را برساند. اول، سلطنت مسیح بر مردم، و دوم همان معنای لغوی پادشاهی خداوند و قدرتش در فرمانروایی مردم دنیا. بر این اساس، مضامین مرتبط مثل مفهوم اطاعت، در عبارت پادشاهی خداوند صریحاً اشاره نشده اما قطعاً به این مفهوم در اقتدار پادشاه و نوع اطاعت یا حتی پرستشی که در شأن آن پادشاه، یعنی عیسی، است به طور ضمنی اشاره شده.

- دکتر گرگ پری

به عنوان مثال، در داستان شفای مرد افلیح در کتاب مرقس باب ۲ آیه ۱ تا ۱۲ از کلمات «پادشاه» یا «پادشاهی» استفاده شده اما در آیه ۱۰، مفهوم پادشاهی مستتر در داستان را با جمله «پسرانسان بر زمین اقتدار آمرزش گناهان را دارد» در گفته عیسی دیده می‌شود. پادشاهی خداوند از طریق قدرت شفای عیسی و آمرزش گناهان برقرار شده بود. در واقع، برخلاف پیشگویی‌های عهد عتیق از پادشاهی پر جلال و پر برکت خداوند، هر کار خوب و نیکویی که عیسی انجام داد به نحوی شمه‌ای از پادشاهی خداوند بود.

انتظار و امیدی که در عهد عتیق برای پادشاهی خداوند به خصوص در کتاب اشعیا وجود دارد یعنی امید به خدایی که خواهد آمد و پادشاهی‌اش را برقرار خواهد کرد، امید برای احیا که همه چیز را در جای درست خود قرار خواهد داد. پس یکی از چیزهایی که در خدمت مسیح و خود اناجیل می‌بینیم، خدمت شفا و حیات دوباره بخشیدن به مردم است، زنده کردن مردگان، قطع خونریزی داخلی بیماران، و شفای لنگان و کوران. اینها نه تنها شهادتی برای اثبات قدرت و اقتدار عیسی و نمودی از قدرت خداست بلکه شهادتی است بر امید برای پادشاهی خداوند، پادشاهی حیات‌بخش و احیاکننده که حالا از طریق عیسی برقرار شده است. بنابراین در کنار استفاده از کلمه پادشاهی خداوند، این یکی از طرق نمایانگر پادشاهی خداست.

- دکتر جاناتان پنینگتن

حالا که به دلایل برقراری پادشاهی خدا از طریق مسیح اشاره کردیم و کلماتی که اناجیل برای صحبت درباره پادشاهی عیسی به کار بردند را مورد بررسی قرار دادیم، بیایید به صورت اجمالی به توضیح مراحل برقراری این پادشاهی توسط عیسی بپردازیم.

مراحل

عیسی تعلیم داد که تجربه‌ای که او از پادشاهی ارائه داد تصویر کاملی نبود. مرحله دیگری از پادشاهی باید می‌آمد. در مقطعی در زمان آینده، پادشاهی خداوند باید به طور کامل برقرار شود. عیسی این آینده را در لوقا باب ۲۱ آیه ۲۷ و ۲۸ اینگونه توصیف می‌کند:

و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید. و چون ابتدای این چیزها بشود، راست شده، سرهای خود را بلند کنید، از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است. (لوقا ۲۱: ۲۷-۲۸)

بسیاری از الاهی‌دانان یهودی از عهد عتیق این برداشت را داشتند که وقتی ماشیح بیاید، همه مرگ و گناه را فوراً از میان خواهد برد و آن را با دوره‌ای جدید از پادشاهی خداوند جایگزین خواهد کرد. اما عیسی خاطر نشان کرد که پادشاهی خداوند را در طی مراحل برقرار خواهد کرد. او پادشاهی خداوند را در زمان خدمتش بر روی زمین بنیان گذاشت. این پادشاهی امروز نیز با سلطنت او در آسمان ادامه دارد و در آینده با بازگشت دوباره او به کمال خواهد رسید.

در یهودیت آخرالزمانی، هستی به دو دوره تقسیم می‌شود: دوره شریب حاضر و دوره‌ای که خواهد آمد. انتظار در اینجا یعنی وقتی که خداوند ما را به سوی پادشاهی زمان‌های آخر هدایت می‌کند، یعنی دوره‌ای که خواهد آمد، این اتفاق خیلی ناگهانی، غیرمنتظره و قطعی خواهد افتاد. طوری که یک دفعه از دوره پیش از پادشاهی به دوره یا عصر پادشاهی منتقل می‌شوی. اما در عهد جدید، به تعبیر من نوعی کشیدگی آخرت‌شناسی عهد جدیدی می‌بینید؛ طوری که عصر پادشاهی همانطور که در یهودیت آخرالزمانی ترسیم شده بود حالا به دو دوره دیگر تقسیم می‌شود: دوره عصر حاضر یا به اصطلاح عصر پادشاهی که «آمده» و پادشاهی آسمانی که «خواهد آمد».

- دکتر دیوید باور

وقتی از پادشاهی خداوند صحبت می‌کنیم معمولاً از آن به عنوان اتفاق «رخ داده» یاد می‌کنیم. اما در واقع هنوز منتظر آمدن پادشاهی آینده هستیم. عیسی به ما یاد داد تا اینگونه دعا کنیم: «ملکوت تو بیاید.» و این حس وجود دارد که چون پادشاه آمده است، پس پادشاهی را بر روی زمین برقرار کرده است. اما هنوز منتظر بازگشت هستیم. بازگشت دوباره مسیح روزی خواهد بود که در آن همه برکاتی که در حضور اولیه او بر زمین وجود داشت بالاخره تحقق پیدا کنند. همچنین این حس القا می‌شود که هر ایمان‌داری وظیفه دارد که در زندگی بازگشت دوباره پادشاه را از طریق اناجیل به همه اعلام کند. پس همه مردم را دعوت می‌کنیم که برای بازگشت دوباره مسیح آماده شوند. اما ما ایمانداران حالا هم از برکات خداوندی عیسی بهره‌مند هستیم و تحت سلطنت او زندگی می‌کنیم اما همچنان منتظر روزی هستیم که پادشاهی او نه تنها بر ما بلکه برای تمام کائنات نیز آشکار شود.

- دکتر سایمون ویرت

پس جای تعجب نیست که اکثر یهودیان قرن اول از عیسی روی برگرداند چون پادشاهی که او آن را توصیف می‌کرد مثل پادشاهی که انتظارش را داشتند و می‌خواستند نبود. آنها منتظر شاهی بودند که پادشاهی‌اش حکومت روم را به زیر می‌کشید و یهودیان را از ستم رومیان آزاد می‌کرد. وقتی عیسی علاقه‌ای نشان نداد که شاه

شاهان قلمداد شود، بسیاری از او روی برگرداندند و او را طرد کردند. این را می‌توان در لوقا باب ۱۷ آیات ۲۰ تا ۲۵ و یوحنا باب ۶ آیات ۶۰ تا ۶۹ می‌توان دید.

و البته، این طردشدگی بالاخره منجر به مرگ عیسی شد. این تضاد قابل توجه در اناجیل زمانی است که مرگ عیسی بر روی صلیب همان نقطهٔ اوج دشمنی علیه پادشاهی او و در عین حال پیروزی پادشاهی و سلطنتش بود. قیام و صعود عیسی مسیر رسیدن به تخت سلطنتش در دست راست خدای پدر بود. برای همین بود که عیسی از چهل روز فاصله میان قیام و صعودش برای تعلیم پادشاهی خداوند به رسولان استفاده کرد، همانطور که لوقا از آن در باب ۱ آیهٔ ۳ یاد می‌کند.

در متی باب ۲۸ آیهٔ ۱۸، عیسی قبل از صعود به آسمان این موضوع را اینگونه عنوان کرد:

تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. (لوقا ۲۸: ۱۸)

پادشاهی خدا موضوع اصلی انجیل است که در قالب وقایع زندگی مسیح در اناجیل گردآوری شده است. اناجیل این مژده را می‌دهند که خداوند به وعده‌اش عمل کرده است؛ خدا در هیئت عیسی آمده است و زندگی پیروزمندانۀ عیسی به ما این اطمینان را می‌دهد که روزی بر می‌گردد و پادشاهی‌اش را به کمال خواهد رساند و همهٔ برکات را به تمام و کمال برای ما خواهد آورد. تا اینجای درس، اناجیل را از نظر منظر ادبی، جایگاه‌شان در کلیسا و وحدت آنها را مورد بحث قرار دادیم. حالا وقت آن است که به گوناگونی که آنها را از هم متمایز می‌کند بپردازیم.

گوناگونی

همانطور که دیدیم، همهٔ چهار انجیل هر کدام به نحوی همان داستان آمدن پادشاهی خداوند را ارائه می‌دهند. این گوناگونی را به دو روش کلی توضیح می‌دهیم. اول، به برخی دشواری‌های آشکار در تطابق روایت‌های اناجیل نگاهی می‌اندازیم. و دوم، به تاکیدات خاص هر انجیل می‌پردازیم. بیاید کار را با دشواری‌های آشکار شروع کنیم.

دشواری‌های آشکار

وقتی اناجیل را می‌خوانیم، برداشت غالب شباهت‌های میان آنهاست. در عین حال، جاهایی وجود دارد که موارد ثبت شده به نظر موضوعات متفاوتی را مطرح می‌کنند. البته، بسیاری از این تفاوت‌ها آنقدر ناچیز و بی‌اهمیت

هستند که نمی‌توان آنها را متناقض قلمداد کرد. اما بعضی از آنها برای بعضی از خوانندگان مشکل‌سازند. به همین دلیل برای ما مهم است که نگاهی به دشواری‌های آشکار بعضی از آنها بیندازیم.

ترتیب زمانی

بعضی از متدوال‌ترین تفاوت‌ها به ترتیب زمانی اناجیل و ترتیب قرارگرفتن وقایع مربوط می‌شود. اناجیل، به عنوان روایت‌های زندگی‌نامه‌ای، هر کدام از چارچوب زمانی مشابهی پیروی می‌کنند. همه با تولد عیسی شروع می‌شوند و بعد به مرگ و بالاخره به قیام او می‌رسند. اما اغلب رویدادهای زندگی عیسی را به ترتیب متفاوتی کنار هم می‌چینند. دلیل آن این است که گاهی اناجیل رویدادها را طبق اولویت‌هایی که در قرن اول پذیرفته بودند طبقه‌بندی می‌کردند و ممکن است این طبقه‌بندی انتظارات خواننده امروز را برآورده نکند. گاهی اناجیل به جای تبعیت کامل از ترتیب زمانی، آنها را براساس موضوع و مکان مرتب می‌کنند. برای مثال، مرقس داستان طرد شدن عیسی در سرزمین مادری خود را در باب ۶ آیات ۱ تا ۶ مرقس بازگو می‌کند. اما لوقا آن را زودتر در لوقا باب ۴ آیات ۱۴ تا ۳۰ در روایت خود می‌گنجاند، به گونه‌ای که داستان اول در خدمت عمومی عیسی به حساب می‌آید. انجیل لوقا بیشتر از انجیل مرقس به این واقعه اهمیت می‌دهد. و حتی نسخه طولانی‌تری را تعریف می‌کند تا بر موضوع طردشدگی مسیح تاکید کند.

نویسندگان اناجیل به ثبت ترتیب زمانی خدمات عیسی در مقایسه با انتقال روشن پیام آمدن پادشاهی خداوند در تعالیم و کارهای او به مراتب علاقه کمتری نشان می‌دادند.

حذف

دومین نوع تفاوت حذف مطالب در یک یا بیشتر اناجیل است. برای مثال، یوحنا اشاره‌ای به شروع و پایه‌گذاری عشای ربانی در انجیل خود نکرده است. چنین حذفی را می‌توان به طرق مختلف توضیح داد. این حذفیات شاید صرفاً به خاطر تاکیدات مختلف نویسندگان بر موضوعات مختلف باشند. یا شاید ناشی از این باشد که نویسندگانی که بعدها اناجیل را می‌نوشتند نیاز به تکرار دوباره آنچه که در کتاب‌های نویسندگان انجیل پیشین آمده بود احساس نکردند. به هر حال، حذفیات به معنی عدم موافقت یا اختلاف بین انجیل‌نویسان نبوده است.

تصور کنید که در جمع عده‌ای بحثی شروع می‌شود. هر کسی که در جمع صحبت می‌کند نیاز نمی‌بیند که همه گفته‌های کسانی که قبل از او صحبت کردند را لزوماً دوباره تکرار کند. بلکه، هر کس به دنبال این است که نظر خاص و شخصی خود را با اشاره به جزئیات جدیدتر و شاید با تأکیدی متفاوت به بحث اضافه کند.

کتاب مقدس گاه به گاه آشکارا این کار را انجام می‌دهد. برای نمونه، در دوم تواریخ باب ۹ آیه ۲۹، مورخ به وضوح گفته است که جزئیاتی که قبلاً توسط دیگر نویسندگان ثبت شده را حذف می‌کند. این مورد حداقل در سه

بار در دوم تواریخ و اغلب در کتاب‌های اول و دوم پادشاهان اتفاق می‌افتد. بنابراین، اینکه یکی از نویسندگان اناجیل مطلب مهمی را که نویسنده دیگری قبلاً به آن اشاره کرده حذف کند جای تعجب ندارد.

وقایع مختلف

سومین مشکل قابل مشاهده متداول، از شباهت‌های موجود بین وقایع مختلفی که در طول خدمت عیسی اتفاق افتادند ناشی می‌شود. به این معنی که بعضی اوقات دو انجیل به نظر یک واقعه مشابه را به دو گونه مختلف تعریف می‌کنند اما به نظر می‌رسد که انگار دو واقعه مشابه ولی متفاوت را تعریف می‌کنند. یادآوری این نکته مهم است که عیسی واعظی سیار بود. به این معنی که از جایی به جای دیگر می‌رفت. همچنین بسیاری از معجزات مشابه را در جاهای مختلف انجام می‌داد مثل شفای نابینایان و لنگان و البته که عیسی بسیاری از سوالات مشابه و بحث‌های دشوار را بارها و بارها پاسخ داد. علاوه بر این، مردم هم در موقعیت مختلف پاسخ‌های مشابهی به عیسی دادند. برای مثال داستان عیسی مسیح را در انجیل لوقا باب ۷ آیه ۳۶ تا ۵۰ و مرقس باب ۱۴ آیه ۳ تا ۹ را در نظر بگیرید. در لوقا، عیسی در خانه فریسی است ولی در مرقس او در خانه شمعون جذامی است. این روایت‌ها دو گزارش متناقض از یک واقعه نیستند. بلکه گزارشی از دو واقعه متفاوتند.

موعظه‌های مختلف

چهارمین مشکل قابل مشاهده سردرگمی ناشی از موعظه‌های مختلفی است که محتوای مشابهی داشتند. یکی از نمونه‌های مشخص از این دست، موعظه سرکوه عیسی در انجیل متی باب ۵ آیه ۱ تا باب ۷ آیه ۲۹ و تعالیم مشابهی است که در انجیل لوقا باب ۶ آیات ۱۷ تا ۴۹ آمده است. در متی باب ۵ آیه ۱، به ما گفته شده که این موعظه در دامنه کوهی اتفاق افتاده اما در لوقا باب ۶ آیه ۱۷، به ما گفته شده که این موعظه در مکانی مسطح اتفاق افتاده است.

دست کم به سه طریق می‌توان به این مسئله نگاه کرد. اول اینکه، هم متی و هم لوقا ممکن است درباره یک موعظه در زمان و مکان یکسان صحبت کرده باشند. بخش جنوب غربی کرانه رود جلیل کوهپایه ناهمواری نیست بلکه دامنه تپه‌مانند برآمده‌ای است که از دریا بیرون زده است. این زمین برآمده هم، خودش زمین‌های کوچک زیادی دارد که نسبتاً مسطح هستند. بنابراین همان مکان جغرافیایی است که در متی کوهپایه و در انجیل لوقا مثل زمین مسطح خوانده شده است. دوم اینکه، شاید این به نوعی نمونه‌ای از متن ترکیبی قدیمی باشد؛ به گونه‌ای که همه گفته‌های عیسی در مکان‌های مختلف را در یک موعظه واحد بگنجانند. این روشی است که مورخین باستان از آن استفاده می‌کردند و هیچ جای بحثی بر درستی و حقایق متن نمی‌گذاشت. سوم اینکه، این امکان نیز وجود دارد

که عیسی دو موعظه بسیار مشابه را در دو روز مختلف، در دو مکان مختلف مثلاً در این نمونه یکی در کوهپایه و یکی در زمین مسطح انجام داده باشد. به خاطر نوع خدمت عیسی، بسیار منطقی است که فرض بر این بگیریم که عیسی تعالیم خود را به مخاطبین مختلف و ناآشنا به این تعالیم دوباره تکرار کرده باشد.

با مشاهده تنوع نوع تفاوت‌ها در اناجیل هم‌نوا یا هماهنگ، می‌توان به این نتیجه رسید که اناجیل به صورت متفق‌القولی بر درستی زندگی و خدمت عیسی گواهی می‌دهند. بله، اختلافاتی در جزئیات کار وجود دارند ولی توضیحات منطقی نیز برای هر کدام از انواع این تفاوت‌ها و ناهماهنگی‌ها وجود دارند. وقتی به این به واقعیت پی می‌بریم که عیسی همان موضوع را در مناسبت‌های مختلف تعلیم داده، می‌توان به هماهنگی موجود در خدمت و پیام او پی ببریم و به راه‌های مختلف برای به‌کارگیری تعالیم او در زندگی ما دست پیدا کنیم.

در این بخش به انواع تنوع‌های موجود در چهار انجیل با ذکر پرسش درباره تفاوت‌های متنی قابل مشاهده در اناجیل درس‌مان را آغاز کردیم. بنابراین، حالا آماده‌ایم با نگاه به تنوع موجود در چهار انجیل با تکیه بر تاکیدات خاص، درس را ادامه دهیم.

تاکیدات خاص

چون هر یک از اناجیل نوشته نویسنده‌ای مجزاست که دیدگاه و دغدغه‌های خودش را در روایت زندگی و خدمت عیسی آورده است، تفاوت‌هایی میان چهار انجیل وجود دارند. با در نظر گرفتن این که هر یک از این چهار انجیل به الهام روح‌القدس نوشته شده، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که همه این روایت‌ها از هر خطایی مبرا است و به همین دلیل با اناجیل دیگر تضادی ندارد. اما این بدین معنی نیست که هیچ تفاوتی در این میان وجود نداشته باشد. روح‌القدس از شخصیت‌ها، علائق، و موقعیت خدمت نویسندگان انسانی اناجیل استفاده کرده تا این تفاوت‌ها را شکل بدهد. بنابراین، اگر بخواهیم مطابق خواست و اراده روح‌القدس از خواندن اناجیل برکت بگیریم، باید روش‌های منحصربه‌فردی را به هنگام خواندن اناجیل در نظر داشته باشیم.

در شرایط مختلف زندگی، افراد مختلف درباره حقیقتی یکسان به روش‌های مختلف حرف می‌زنند. هرکس که به بچه‌ها در وقت بازی توجه کرده باشد، حتماً می‌داند که یک بازی می‌تواند تفاسیر مختلف ولی در عین حال سازگاری داشته باشد. هر کودکی روش و دیدگاه خود را در بازی دارد. فقط وقتی به بچه‌هایی که درباره بازی حرف می‌زنند گوش کنیم می‌توانیم تکه‌های مختلف تصویری که آنها در ذهن دارند را از آنچه اتفاق افتاده پیدا کنیم. ممکن است یکی از بچه‌ها علاقه شدیدی به رنگ اسباب بازی‌ها از خود نشان دهد. بچه دیگری ممکن است دوست داشته باشد صدای آنها را توصیف و تعریف کند. شاید بچه دیگری دوست داشته باشد آنچه را که دیده به همه بازگو کند. این دیدگاه‌های مختلف در تناقض با یکدیگر نیستند. اما به این نکته اشاره دارند که هر کودکی بخشی از بازی‌ها را بیشتر از قسمت‌های دیگر آن دوست داشته و علاقه بیشتری به آن نشان داده است.

به همین شکل، علایق و دغدغه‌های هر یک از نویسندگان اناجیل در روایت داستان انجیل آنها بازتاب خود را نشان داده است. هیچ کدام از روایت‌های اناجیل دقیقاً یکی نیستند. همه داستان‌های انجیل عهد جدید از یک عیسی صحبت می‌کنند اما اغلب به روش‌های مختلف درباره او حرف می‌زنند و جوانب مختلفی از خدمت او را مورد توجه خاص قرار می‌دهند.

ما چهارتا انجیل داریم اما یک عیسی. چه نتیجه‌ای از این باید بگیریم؟ خب، اول از همه، این از هوشمندی مسیحیان اولیه است که این را فهمیدند که پیچیدگی شخصیتی عیسی فراتر از یک شخصیت تاریخی است که فقط او را از یک زاویه نگاه و تصویر دید. اناجیل مثل تصاویر هستند و عیسی به صورت واضح و مشخصی در تمام این اناجیل قانونی دیده می‌شود اما در عین حال این اناجیل از زوایای برخورد مختلفی با روش‌های مختلفی به شخصیت عیسی نگاه می‌کنند. بگذارید یک مثال بیاورم. در انجیل یوحنا، ما اساساً هیچ مثل یا شرح اخراج ارواحی نداریم. در انجیل مرقس، شخصیت عیسی بر پایه مثل‌هاست و معجزه غالب در این انجیل اخراج ارواح است. خب، همه اینها تصاویر متفاوتی هستند اما نشانی از یک عیسی دارند. و هر انجیل نویسی زاویه دید نسبتاً متفاوتی درباره عیسی دارد. البته اینطور نیست که یکی فکر کند که عیسی همان مسیح است و دیگری بر این عقیده نباشد اما نکته اینجاست که تأکیدات مختلفی درباره چگونگی نشان دادن عیسی به عنوان ماشیح یهودی و در عین حال نجات‌دهنده جهان داشتند. بنابراین، آنها خیلی راحت و با آزادی عمل تحت الهام خدا بر جوانب مختلف و قسمت‌های مختلف خدمت عیسی و طرح سوال و پاسخ آنها عمل کردند.

- دکتر بن ویتزینگتن

اناجیل خصوصیات و مضامین مشخصی زیادی دارند. اما در این درس مقدماتی، ما به پاسخ هر کدام از اناجیل به این دو سوال در این قسمت خواهیم پرداخت: «عیسی کیست؟» و «ما چگونه او را پیروی می‌کنیم؟» بیایید در ابتدا ببینیم متی چگونه به این دو سوال پاسخ می‌دهد.

عیسی در انجیل متی کجاست؟

از میان همه انجیل‌نویسان، متی کسی است که بیش از همه سعی دارد که عیسی را همان پادشاه نجات‌بخش اسرائیل که در عهدعتیق پیش‌گویی شده بود نشان دهد.

نمونه کوچکی از مواردی که متی به پادشاهی عیسی اشاره می‌کنند شامل: باب ۲ آیه ۲ که مجوسی سوال می‌کند که «پادشاهی که برای قوم یهود مولود شده را در کجا می‌توانند پیدا کنند؟»؛ باب ۷ آیه ۲۱ تا ۲۳ که عیسی خداوند می‌گوید همه کسانی را که او را «سرور یا خداوند» خطاب کنند در پادشاهی آسمان نخواهد پذیرفت؛ باب

۲۰ آیه ۲۰ تا ۲۸ وقتی مادران رسولان یعقوب و یوحنا می‌خواهد پسرانش در پادشاهی خداوند در کنار عیسی جایگاهی داشته باشند؛ باب ۲۵ آیه ۳۱ تا ۴۶ که عیسی مثلی را تعریف می‌کند که دربارهٔ داوری او به عنوان پادشاه در روز قیامت است؛ و باب ۲۷ آیه ۳۷ که متی به کنایه اشاره می‌کند که سربازان رومی علامتی را بالای سر مسیح روی صلیب نصب می‌کنند که روی آن نوشته شده بود: این عیسی است، پادشاه یهود.

انتظار می‌رفت که پادشاه منجی خدا، پادشاهی نجات‌بخش خدا را بر زمین بیاورد و اسرائیل را از تبعید و از دست دشمنانش نجات دهد، به عدالت داوری کند و صلح و کامیابی را برقرار کند. عیسی همهٔ این کارها را انجام داد ولی این کارها را مطابق انتظار قوم یهود انجام نداد. به سخنان عیسی در متی باب ۵ آیه ۱۷ گوش کنید:

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحقق‌شان بخشم. (متی ۵: ۱۷)

عیسی می‌دانست که بسیاری از یهودیانی که شاهد خدمت او بودند فکر خواهند که او شریعت خدا را نابود می‌کند و وعده‌هایی که در عهد عتیق آمده بودند را محقق نمی‌کند. به همین دلیل با تاکید و شفافیت گفت که اگرچه اینگونه به نظر نمی‌رسد ولی او شریعت را به انجام می‌رساند و وعده‌های انبیا را محقق می‌کند.

متی نه فقط در این متن، بلکه به دفعات، گزارش می‌دهد که عیسی جنبه‌ای یا جوانب مختلفی از نوشته‌های عهد عتیق را محقق می‌کنند و این نشانگر آن است که او قطعاً پادشاه نجات‌بخش اسرائیل است.

بنابراین، طبق گفتهٔ متی، چگونه باید از عیسی پیروی کرد؟ عیسی به تمام و کمال شریعت خدا را نگاه داشت اما این تنها کار او نبود. او گفت که متابعت از خواسته‌های ظاهری شریعت کافی نیست. خدا همیشه از شهروندان پادشاهی خود خواسته که قلباً از او اطاعت کنند. خبر خوش انجیل این است که پادشاهی خدا آمده است و با خود بخشش و نجات قوم خدا را آورده و به ما قلب‌هایی تازه و مطیع بخشیده است. قلب‌های تبدیل‌یافتهٔ ما هم قوت و هم انگیزهٔ پیروی مملو از محبت، شکرگزاری و اطاعت پر از شادی را از برای ما به ارمغان می‌آورند.

وقتی صحبت از اطاعت قلبی از خداست، «قلبی» اصطلاحی است که واقعا همه چیز را در بر می‌گیرد. من به کلیسا تعلیم می‌دهم که همه چیز از سر به قلب و به دست ختم می‌شود. همینطور هم باید از او اطاعت و او را محبت کرد. سر جایگاه فکر، جایگاه ذهن است. ما باید با تمامی فکر و جان‌مان خدا را محبت کنیم. ما باید با تمامی احساس و علاقه خدا را دوست داشته باشیم. و باید با همهٔ دست و پا خدا را محبت کنیم. پس، قلب فقط چیزی نیست که در قفسهٔ سینه می‌تپد. این اصطلاح به نوعی همه چیز را در خود دارد. پس، آیا ما به صورت ظاهری خدا را محبت

می‌کنیم؟ خُب، البته که این کار را می‌کنیم. اما این کار همراه با تمام احساس ماست. ما خدا را با همه چیز دوست داریم و من معتقدم که کلمه «قلب» به همه چیز اشاره می‌کند.

- دکتر مت فریدمن

حال که پاسخ‌های انجیل متی به دو سوال مطرح شده را دیدیم، بیایید ببینیم مرقس چه می‌گوید.

عیسی در انجیل مرقس کیست؟

اول از همه، عیسی از نگاه مرقس کیست؟ مرقس در روایت خود بر این نکته تأکید می‌کند که عیسی پسر رنج‌کشیده‌ی خداست که بر دشمنان قوم خدا پیروز می‌شود. مرقس نمونه‌های زیادی از معجزات عیسی را ثبت کرده که نشان‌دهنده‌ی استیلا و بر نیروهای شریر است. با اینکه انجیل مرقس بسیار کوتاه‌تر از انجیل متی و مرقس است ولی تقریباً به همان تعداد از معجزات یعنی ۱۸ معجزه را در روایت خود آورده است.

از همان ابتدای انجیل مرقس می‌بینیم که عیسی پسر پیروزمند و رنج‌کشیده‌ی خداست. فقط در باب یک، یحیای تعمیددهنده آمدن عیسی را پیشگویی می‌کند و بعد عیسی خدمت عمومی خود را آغاز می‌کند. تعمید می‌گیرد و در بیابان وسوسه می‌شود، اولین شاگردان خود را انتخاب می‌کند، روح‌های پلید را اخراج می‌کند، و بیماری‌های مختلف آدم‌های زیادی را شفا می‌دهد. حتی خواندن سطحی این روایت پر حادثه و بی‌وقفه نشان می‌دهد که عیسی با قدرت بر دشمنان پادشاهی خدا پیروز می‌شود. نگاه موشکافانه‌تر هم نشان می‌دهد که مرقس از همان ابتدای خدمتش او را به عنوان پسر رنج‌کشیده‌ی خدا به تصویر می‌کشد.

برای نمونه، در مرقس باب ۱ آیه ۱۲ و ۱۳ داستان تعمید عیسی اینگونه می‌خوانیم:

روح بی‌درنگ عیسی را به بیابان برد. عیسی چهل روز در بیابان بود و شیطان وسوسه‌اش می‌کرد. او با حیوانات وحشی به سر می‌برد و فرشتگان خدمتش می‌کردند. (مرقس ۱: ۱۲-۱۳)

عیسی از همان لحظات اول آغاز خدمت عمومی خود متحمل حملات بی‌وقفه‌ی شیطان شد. و این تصویر عیسی به عنوان خادم متحمل یا رنجور در همه‌ی انجیل مرقس با تحمل جفا و طرد شدگی او دیده می‌شود. پس، طبق گفته‌ی مرقس ما چگونه باید از عیسای رنجور و متحمل پیروی کنیم؟ از یک سو، انجیل مرقس زندگی مسیحی را زیاد خوشایند و راحت نشان نمی‌دهد. مرقس شاگردی را کاری بسیار دشوار و اغلب روندی طاقت‌فرسا توصیف می‌کند که ما نه تنها در این روند رنج می‌کشیم بلکه مرتکب اشتباه و شکست نیز می‌شویم. در واقع، خصوصیت ویژه‌ی انجیل مرقس این است که شاگردان عیسی به دفعات در درک او و دادن پاسخ ایمانی شکست

می‌خورند. در مرقس باب ۴ آیه ۴۰ سوال می‌کند که آیا شاگردانش اصلاً ایمانی دارند یا خیر؛ در باب ۶ آیه ۵۲، دل شاگردان سخت می‌شود؛ در باب ۷ آیه ۱۸، عیسی شاگردانش را به «دیرفهمی» یا «کندذهنی» متهم می‌کند چون آنها نتوانسته بودند که تعالیم او را درک کنند؛ در باب ۹ آیه ۱۸ شاگردان نتوانسته بودند روح شریب را اخراج کنند؛ در باب ۹ آیه ۳۸ تا ۴۱ شاگردان به اشتباه مانع کار کسی که در حال اخراج ارواح شریب بود و او را نمی‌شناختند شدند؛ و در باب ۱۴، یکی از شاگردان عیسی را تسلیم مقامات دولتی می‌کند، یکی دیگر از شاگردان او را انکار می‌کند و بقیه شاگردان او را تنها می‌گذارند.

این تاکید در انجیل مرقس دست کم دو نکته درباره پیروی از عیسی را به ما یاد می‌دهد. اول اینکه، ما هم مثل شاگردان همیشه نمی‌توانیم عیسی را درک کنیم. در واقع، به احتمال زیاد ممکن است ما بسیاری از چیزها را در کتاب مقدس درست درک نکنیم. پس باید فروتن باشیم و بدانیم که چیزهای زیادی وجود دارند که هنوز باید آنها را یاد بگیریم. در همین راستا، باید تعالیم کتاب مقدس را با ایمان بپذیریم و بدانیم که کلام خدا حتی اگر عجیب و یا اشتباه به نظر برسد ولی کلام حقیقی است.

نکته دوم اینکه، مشکلات و سختی‌ها موضوعاتی اجتناب‌ناپذیری برای مسیحیان هستند. خطرات زیاد، وسوسه‌های فراوانی وجود دارند که مانع پیروی ما از او خواهند شد. به سخنان عیسی در باب ۸ آیه ۳۴ و ۳۵ انجیل مرقس گوش کنید:

اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. (مرقس ۸: ۳۴-۳۵)

عیسی یاد داد که ما باید در تعهد خود نسبت به او وفادار بمانیم. ما باید مثل او آماده رنج کشیدن باشیم و در برابر وسوسه‌ها و حملات روحانی بایستیم. اما به نکته دیگری که در این متن وجود دارد توجه کنید: عیسی فقط فرزند رنجور خدا نیست، او فرزند پیروز خدا نیز هست. در واقع، او بر مرگ پردرد خود پیروز می‌شود. و اگر ما با وفاداری در رنج‌ها برای پادشاهی خدا پیروی کنیم، پاداش حیات جاودانی را به دست می‌آوریم. تاثیری که رنج بر ما دارد این است که توجه ما را به چیزهای واقعا مهم معطوف می‌کند و به خاطر درد متوجه می‌شویم که این فقط درد و رنج نیست بلکه چیز دیگری هم هست که من دارم برایش زندگی می‌کنم و من در همه این چیزها به خدا اعتماد می‌کنم چون می‌دانم که آنچه در مسیح دارم از راحتی، امنیت و شادی یا هر چیزی که برام اهمیت دارد بزرگتره.

- دکتر جان مک‌کینلی

عیسی مثل یک خادم رنج‌کشیده آمد و هرکس که می‌خواهد از مسیح پیروی کند باید سطح تحمل بالایی داشته باشد. این بخشی از همان چیزی است که در عیسی می‌بینیم و همان چیزی است که ما در این دنیای پررنج و درد روبرو هستیم. اگر می‌خواهیم بخشی از خدمت مسیح باشیم، باید جایی برای رنج در زندگی خودمان در نظر بگیریم. نه فقط رنج خودمان بلکه جایی برای رنج دیگران داشته باشیم. در عمل وقتی آنها غصه می‌خورند با آنها غصه بخوریم و رنج آنها را هم بپذیریم و بخشی از آن باشیم و آنها را در آن شرایط خدمت کنیم. وقتی ما با در نظر داشتن جایی برای رنج وارد دنیا می‌شویم و درک کنیم که این یکی از روش‌های اصلی است که خدا می‌خواهد در راه پیروی از مسیح اینگونه خدمت کنیم. اینجاست که ما به هدف خدا پی می‌بریم. و بعد خداست که ما را پاک می‌کند. این رنج شخصیت می‌سازد، امید به وجود می‌آورد و باعث ایستادگی و پشتکار می‌شود. و ما می‌توانیم ببینیم که خدا زندگی در میان همه این رنج‌ها و از میان همه روش‌های دیگر یا حتی اگر نگوییم بیشتر از این طریق ما را پاک می‌کند.

- دکتر اریک توئیس

با نگاهی به متی و مرقس، بیاید ببینیم لوقا چه پاسخی درباره عیسی و پیروانش می‌دهد.

عیسی در انجیل لوقا کیست؟

انجیل لوقا با معرفی عیسی به عنوان منجی مهربان جهان به پرسش «عیسی کیست؟» پاسخ می‌دهد. عیسی نجات خدا را به طور یکسان برای فقیر و غنی، رهبران مذهبی و رانده‌شدگان اجتماعی خرید. خبر خوش عیسی برای همه است حتی برای طردشدگان و افراد منفور. لوقا به طرق مختلف بر این امر تاکید می‌کند. عیسی در شرایطی که خیلی از مردها زنان را پست می‌شمردند خواهران مریم و مرتا را مورد احترام خود قرار داد. لوقا مثل‌ها و روایت‌هایی مرتبط به شخصیت‌های زن، بیماران و لنگان و حتی غیریهودیان را ثبت کرد و این روایت‌ها را شایسته تحسین و توجه دانست. عیسی بیوه‌زنی را که پس‌انداز کم خود را به کنیسه هدیه داد مورد تقدیر و تشویق قرار داد. لوقا داستان زکی، باجگیری که مورد تنفر همه بود، را تعریف کرد و جوابش به عیسی را به عنوان الگویی برای خوانندگان انجیل خود قرار داد. لوقا گاهی دغدغه‌های عیسی نسبت به مطرودین و رانده‌شدگان جامعه را ثبت کرد. برای مثال، فقط به این داستان از لوقا باب ۷ آیات ۱۲ تا ۱۶ گوش کنید:

[عیسی] به نزدیکی دروازه شهر که رسید، دید مرده‌ای را می‌برند که یگانه پسر بیوه‌زنی بود. بسیاری از مردمان شهر نیز آن زن را همراهی می‌کردند. خداوند چون او را دید، دلش بر او بسوخت و گفت: «گریه مکن.» سپس نزدیک رفت و تابوت را لمس کرد. کسانی که آن را حمل می‌کردند، ایستادند. عیسی گفت: «ای جوان، تو را می‌گویم، برخیز!» مرده راست نشست و سخن‌گفتن آغاز کرد! عیسی او را به مادرش سپرد. ترس و هیبت بر همه آنان مستولی

شد و در حالی که خدا را ستایش می‌کردند، می‌گفتند: «پیامبری بزرگ در میان ما ظهور کرده است. خدا به یاری قوم خود آمده است.» خبر این کار عیسی در تمام یهودیه و نواحی اطراف منتشر شد. (لوقا ۷: ۱۲-۱۶)

در قرن اول روزگار روم، امرار معاش برای بیوه‌ای که پسرش را از دست داده بود کمی سخت بود و پیدا کردن کار هم مشکل بود. لوقا با تاکید بر مهربانی عیسی در قبال این زن، این نکته را متذکر می‌شود که کار خداوند به عنوان نجات‌دهنده حتی برای فقرا و بیچارگان هم بوده است. همانطور که عده‌ای در پایان این داستان گفتند، خدمت عیسی به نیازمندان و ضعفا دلیلی بر این بود که خدا آمده تا به قومش کمک کند.

با این حساب، انجیل لوقا به این سوال که «ما چگونه باید از او پیروی کنیم؟» اینگونه پاسخ می‌دهد که این پیروی در نظر گرفتن نیازهای فقراست و کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که نسبت به دیگران مهربان باشیم. ما باید به فقرا اهمیت بدهیم و از هیچ کاری برای برآوردن نیازهای آنها دریغ نکنیم. باید در بخشیدن اموال، غذا و پول و وقت خودمان برای رسیدگی به آنها راغب باشیم. در واقع، خدا اغلب مسیحیان سخاوتمند را در پاسخ به دعا‌های نیازمندان پیش آنها می‌فرستد. همانطور که در باب ۱۲ آیه ۳۳ انجیل لوقا می‌خوانیم:

آنچه دارید بفروشید و به فقرا بدهید؛ برای خود کیسه‌هایی فراهم کنید که پوسیده نشود، و گنجی پایان‌ناپذیر در آسمان بیندوید، جایی که نه دزد آید و نه بید زبان رساند. (لوقا ۱۲: ۳۳)

وقتی وفادارانه با توجه به مردم از مسیح پیروی می‌کنیم، او ما را با میراث جاودانی پاداش می‌دهد. روش دیگری که می‌توانیم از عیسی پیروی کنیم این است که باید با اطمینان به این واقعیت ایمان داشته باشیم که خدا نیازهای ما را نیز برآورده می‌کند.

به سخنان عیسی در لوقا باب ۱۲ آیات ۲۲ تا ۳۱ گوش کنید:

نگران زندگی خود مباشید که چه بخورید، و نه نگران بدن خود که چه بپوشید... پس در پی این مباشید که چه بخورید یا چه بنوشید؛ نگران اینها مباشید... بلکه شما، در پی پادشاهی او باشید، که همه اینها نیز به شما داده خواهد شد. (لوقا ۱۲: ۲۲-۳۱)

ما که عضوی در پادشاهی خدا هستیم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که پادشاه عظیم ما عیسی مسیح ما را مورد توجه خود قرار می‌دهد و نیازهای ما را برآورده می‌کند.

این تاکید بر اعتماد بر نجات‌دهنده با مضامین موجود در انجیل لوقا یعنی صلح و شادی ارتباط تنگاتنگی دارد. برای نمونه، در ابتدای انجیل لوقا، در لوقا باب ۲ آیه ۱۰ تا ۱۴، این پیغام را از زبان فرشته می‌خوانیم:

بشارتی برای تان دارم، خبری بس شادی‌بخش که ... «جلال بر خدا در عرش برین، و صلح و سلامت بر مردمانی که بر زمین مورد لطف اویند.» (لوقا ۲: ۱۰-۱۴)

بیست و دو باب بعد، لوقا انجیل خود را با همان کلمات آغازین تمام کرد. شاگردان در انتهای روایت لوقا از عیسی پیروی می‌کردند و پر از شادی و خوشی بودند که فرشته نوید آن را در باب دوم داده بود.

سه بار در آن مکالمه در باب ۲۰ یوحنا، عیسی گفت: «سلامتی با شما باد.» و من فکر نمی‌کنم که عیسی داشت سلام و احوالپرسی می‌کرد. فکر می‌کنم که با این جمله می‌خواست بگوید که این اصل و اساس کار است. حتی اگر در عذاب باشید، عزیزی را از دست داده باشید، و اینکه هرگز نمی‌دانستید که من برخواهم گشت، و به زودی هم زیر سلطه استبداد دولت روم خواهید رفت و زیر فشار زندگی خواهید رفت و اوضاع روز به روز هم بدتر خواهد شد، می‌خواهم بدانید که من اینجا هستم و وقتی اینجا باشم برای شما صلح و سلامتی خواهم آورد. من شادی و خوشی شما هستم. پس مهم نیست که چه اتفاقی می‌افتد، مهم نیست که در دنیای بیرونی شما چه اتفاقی می‌افتد، مهم نیست در درون شما اتفاقی می‌افتد. اگر که مرا می‌شناسید، صلح واقعی را خواهید داشت. کتاب مقدس از کلمه «شالوم» برای صلح استفاده می‌کند که پادشاهی عدالت خواهانه و اقتدار خداست؛ مهم نیست که چه بلا و اتفاقی بیفتد. من آورنده شادی و خوشبختی هستم. البته این نبود که من آدمم از درد شما کم کنم بلکه این بود که من اینجا هستم تا به شما شادی واقعی را بیاورم. شادی که فراتر از احساس است. شادی که درک مثبتی از این واقعیت به دست می‌دهد که من کنترل جهان را در دست دارم و نمی‌گذارم تا قبل از اطلاع من، اتفاقی برای شما بیفتد. این همه حرف و گفته عیسی مسیح بود. من از این نوع گفتار پولس هم خیلی خوشم می‌آید که وقتی درباره ثمره روح صحبت می‌کند. پولس می‌گوید وقتی روح القدس می‌آید و ایمانداران را پر می‌کند، همه شما محبت خواهید داشت؛ درست بعد از محبت، کلمه شادی یا همان خوشی را می‌آورد. من فکر می‌کنم این دو کلمه از هم جدانشدنی هستند. البته، پولس شش چیز دیگر را هم به این فهرست اضافه می‌کند ولی چیز مهم این است که وقتی محبت خدا روی ما ریخته می‌شود یا در ما جاری می‌شود، پاسخ این است که من دیگر با فهم خودم از واقعیت زندگی نمی‌کنم، یعنی چیزی که ممکن است، خیلی تلخ، خیلی بدبینانه، خیلی منفی باشد. اما وقتی عیسی حاضر و اینجاست، تنها واکنش موجود این است که من در صلح هستم. او قدرت قیامش را به زندگی من بخشیده و من خوشی دارم، من امید دارم

چون در عیسی هیچ شکستی معنا ندارد. چیزی از هم نمی‌پاشد چون او همه چیز را به تمام و کمال کنار هم چیده و قرار داده.

- دکتر بیل اوری

به سخنان پایانی لوقا در باب ۲۴ آیات ۵۲ و ۵۳ گوش کنید:

ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند. در آنجا پیوسته در معبد می‌ماندند و خدا را حمد و سپاس می‌گفتند. (لوقا ۲۴: ۵۲-۵۳)

در انجیل لوقا، پیروی از عیسی به معنی شادی در نجات و تمام برکات خدا و اعتمادی توأم با صلح و سلامتی در او، و توکل بر خداست که همه احتیاجات ما را برآورده می‌کند و مشتاق باشیم که توسط او به کار گرفته شویم تا دیگران را نیز از همان برکات بهره‌مند کنیم.

حال که دیدیم متی، مرقس و لوقا چگونه به دو سوال ما یعنی «عیسی کیست؟» و «چگونه باید از او پیروی کنیم؟» پاسخ دادند، به سراغ یوحنا می‌رویم تا ببینیم او چگونه به طرز فوق‌العاده‌ای به این سوالات جواب می‌دهد.

عیسی در انجیل یوحنا کجاست؟

یوحنا در انجیل خویش عیسی را به عنوان پسر خدا به تصویر می‌کشد که نقشهٔ ابدی نجات را محقق می‌کند. یوحنا در تاکید بر هویت عیسی به عنوان پسر خدا از رابطهٔ خاص عیسی با پدر صحبت می‌کند. عیسی مکاشفهٔ نهایی پدر است و یگانه کسی که قادر است حیات ابدی را برای همهٔ کسانی که به او ایمان بیاورند محقق کند. برای نمونه، در حالیکه اناجیل دیگر روایت داستان تولد و خدمت زمینی او را آغاز می‌کنند، یوحنا در انجیل خود روایت خود را اینطور آغاز می‌کند که پسر خدا در آفرینش با پدر در کار بوده و حالا پدر به واسطهٔ تنها و یگانه پسر خدا مکشوف شده است.

روش دیگر یوحنا در انتقال این پیام پر جلال استفاده از عبارت «من هستم» از سوی عیسی مسیح است. در این عبارات، عیسی به صورت تلویحی به نام عهدی خداوند یعنی «یهوه» اشاره می‌کند. در خروج باب ۳ آیهٔ ۱۴، خدا خود نام «یهوه» را که اساساً به معنای «من هستم» است توضیح داد. عیسی در یوحنا باب ۶ آیهٔ ۳۵ به این نام اشاره می‌کند و می‌گوید: «من نان حیات هستم.» در باب ۸ آیهٔ ۱۲ و باب ۹ آیهٔ ۵ در جملهٔ «من نور جهان هستم.» این نام دوباره به چشم می‌خورد. و در باب ۱۰ آیات ۷ و ۱۰ می‌خوانیم: «من در هستم.» در باب ۱۱ آیهٔ

۲۵ می‌گوید: «من قیامت و حیات هستم.» در باب ۱۴ آیه ۶ می‌بینیم: «من راه و راستی و حیات هستم.» در باب ۱۵ آیه ۱ جمله «من تاک هستم» را می‌یابیم. و در باب ۸ آیه ۵۸، عیسی در نقطه عطف گفته‌های خود، عبارت «من هستم» را اعلام می‌کند. در هر یک از این نمونه‌ها، عیسی خود را تجسم نام مقدس خدا در عهد عتیق و خدای مجسم در خود شخص او اعلام می‌کند.

جایگاه عیسی در مرکز نقشه ابدی نجات خدا به طور آشکار در دعای کهنانت اعظم عیسی در یوحنا باب ۱۷ آمده است. به دعای عیسی در یوحنا باب ۱۷ آیه ۲۴ گوش کنید:

ای پدر، می‌خواهم آنها که به من بخشیده‌ای با من باشند، همان‌جا که من هستم، تا جلال مرا بنگرند، جلالی که تو به من بخشیده‌ای؛ زیرا پیش از آغاز جهان مرا دوست می‌داشتی. (یوحنا ۱۷: ۲۴)

عیسی نجات پیروانش را به محبت خدا نسبت به پسرش پیش از آفرینش ربط می‌دهد. نکته او در این بود که نجات ما تبلوری از محبت پدر به عیسی است.

پس، اگر یوحنا عیسی را به عنوان پسر خدا به تصویر کشیده که نقشه نجات ابدی را محقق کرده، یوحنا به سوال دوم چطور پاسخ می‌دهد؟ ما چگونه باید او را پیروی کنیم؟

در انجیل یوحنا، طریق اولیه پیروی ما از عیسی مورد محبت خدا واقع شدن و نشان دادن همان محبت نسبت به دیگران است. عیسی این الگو را برای ما قرار داد تا به طرق مختلف از آن تبعیت کنیم. برای نمونه، در باب ۱۷ آیات ۲۳ و ۲۶ انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی از محبت پدر به پسرش صحبت می‌کند. این محبت ابدی پدر نسبت به پسر بود که پشت نقشه ابدی نجاتی که توسط عیسی محقق می‌شد نهفته است. بنابراین، منطقی است که در انجیل یوحنا شاگردی با محبت ترسیم شده است. عیسی این را در یوحنا باب ۱۳ آیات ۳۴ و ۳۵ به پیروانش می‌گوید:

یکدیگر را محبت کنید. همانگونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید. (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵)

طبق گفته یوحنا، پیروی ما از عیسی در گروه محبت ما نسبت به دیگران با محبتی از جنس محبت اوست. بدین ترتیب، شاگردی با محبت پی‌ریزی می‌شود و با آن پیش می‌رود. محبت خدا نسبت به ما با شاگردی ما آغاز می‌شود و محبت خدا از طریق ما به دیگران نمودی از شاگردی ماست. این به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چرا یوحنا در انجیل خود از خود به عنوان «شاگرد محبوب عیسی یا مورد محبت عیسی» یاد می‌کند و نه

«شاگردی که محبت می‌کرد». او می‌دانست که قدرت محبت به دیگران از اعماق محبت عیسی به خودش ناشی می‌شد. پیروان عیسی اول خودشان مورد محبت قرار گرفتند و بعد خوانده شدند تا یکدیگر را محبت کنند.

ممکن است یکی بگوید که تفاوت‌های برجسته چهار انجیل تا حدودی به این نکته اشاره کند که این اناجیل با هم همخوانی ندارند و داستان‌های متناقضی را بیان می‌کنند ولی من اصلاً اینطور فکر نمی‌کنم. من فکر می‌کنم که آنچه که در چهار انجیل می‌بینیم چهار رویکرد هماهنگ از داستان عیسی است. هر چهار انجیل در ایده مشترکند که سرگذشت مردی را تعریف می‌کنند که خدای تجسم‌یافته است که به این جهان آمد تا گناهکاران را از گناه و مرگ نجات بدهد. و هر کدام از این اناجیل از زاویه دید متفاوتی به عیسی نگاه می‌کنند و بر جزئیات مختلفی از زندگی او تأکید می‌کنند ولی این پیام‌ها و دیدگاه‌ها متناقض نیستند بلکه با هم هماهنگ‌اند.

- دکتر استیو کاون

نتیجه‌گیری

در این درس، اناجیل را به صورت کلی مطالعه کردیم. نوع ادبی آنها را دیدیم و به این نکته اشاره کردیم که اناجیل روایت‌های معتبر و تاریخی هستند. همچنین، به وضعیت اناجیل در کلیسا نگاهی انداختیم و دیدیم که آنها بخش موثق و معتبری از عهد جدید هستند و بعد به هر یک از اناجیل در مقایسه با دیگر اناجیل پرداختیم و دریافتیم که همه آنها داستان مشترک پادشاهی خداوند را روایت می‌کنند حتی با اینکه هر کدام عیسی و شاگردی را به طریقی مجزا به تصویر می‌کشند.

درک اناجیل برای مسیحیان بسیار حیاتی است. ما این دنیا و دنیای پس از این را به دست‌های عیسایی می‌سپاریم که تا به حال رو در رو او را ندیده‌ایم. هر چیزی که درباره او می‌دانیم از طریق کلام اوست؛ به طور خاص از طریق اناجیل. امیدواریم چیزهایی که در این درس مقدماتی یاد گرفتیم ما را برای بررسی هر یک از اناجیل به صورت عمیق‌تری آماده کرده باشد تا بدانیم که پیام هر یک از این مبشرین چگونه بر ایمان و زندگی ما تأثیر می‌گذارند.